



اطلاعات فیبا



احکام پزشکی

بر اساس فتاوی و نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای

صفحه آرایی و طراحی جلد: مهندس میر حامد حسینی

ویراستار: حجه الاسلام والمسلمین فروزش

تهیه و تنظیم: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی تهران

ناشر: نشر معارف

چاپ:

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت:

شابک:

کلیه حقوق برای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی تهران محفوظ می‌باشد.

احکام پزشکی

طبق نظرات و فتاوی رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیه الله العظمی خامنه ای

«فهرست مطالب»

۸	مقدمه
۹	مقدمه‌ی رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها
۱۱	مقدمه‌ی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی تهران ...
۱۴	مقدمه‌ی رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران
۱۸	احکام زایمان
۱۹	جلوگیری از بارداری
۲۱	جلوگیری از بارداری زنی که در معرض خطر است
۲۲	وظیفه‌ی شخصی که خود را عقیم کرده
۲۲	حق تقدم در عقیم کردن زوجین
۲۲	جلوگیری از بارداری با «آی.یو.دی»
۲۳	کنترل جمعیت
۲۳	سزارین زنی که توانایی زایمان طبیعی دارد
۲۴	احکام مربوط به سقط جنین (کورتاز)
۳۰	سقط جنین به خاطر حفظ آبرو
۳۰	حکم سقط جنین
۳۱	کتمان ناقص بودن جنین از والدین
۳۱	سقط جنینی که به نظر پزشک حتماً می‌میرد
۳۲	دیده‌ی جنینی که به دستور مادر، سقط شده

۳۲ وجوب پرداخت دیه بر مباشر سقط

۳۳ ملاک در جواز سقط جنین

۳۳ از بین بردن تعدادی از جنین‌ها برای حفظ بقیه

۳۴ خارج کردن زود هنگام جنین از رحم مادر برای نجات جان او

۳۴ سقط جنین عمدی

۳۶..... احکام تلقیح مصنوعی

۴۱ بانک اسپرم

۴۲ تخمک‌های باقی مانده در آزمایشگاه

۴۲ روش‌های برداشت تخمک از زن

۴۳ استفاده از تخمک زن اجنبی با وجود تخمک ضعیف زوجه برای باروری

۴۴..... احکام تغییر جنسیت

۴۵ جواز تغییر جنسیت

۴۶..... تغییر جنسیت افراد دو جنسی

۴۶..... تغییر ژنتیکی جنین انسان

۴۷ تعیین جنسیت جنین با رژیم غذایی

۴۸..... احکام تشریح میت و پیوند اعضاء

۵۵ تشریح جسد مسلمان در صورت نبود جسد کافر

۵۶..... تشریح جسد برای تشخیص جرم

۵۷ دیه‌ی تشریح میت مسلمان

- ۵۷ وصیت مسلمان بر تشریح جسد یا اهدای اعضاء
- ۵۷ تشریح مرده‌ی مشکوک
- ۵۸ تجسس در اسلام مّیت برای تشریح
- ۵۸ نگاه به جسد نامحرم و لمس آن در زمان تشریح
- ۵۹ تشریح اجساد اهل تسنن
- ۵۹ تشریح جسد مسلمان اعدامی
- ۵۹ تشریح اجساد بی‌وارث
- ۶۰ خرید جسد کفار
- ۶۰ تشریح جسد مجهول‌الهویه
- ۶۱ پیوند اعضای حیوانات به انسان
- ۶۱ پیوند اعضای مسلمان به غیر مسلمان و برعکس
- ۶۱ اهدای اعضای اصلی انسان
- ۶۲ پیوند اعضای مرده
- ۶۲ گرفتن پول در برابر اهدای عضو
- ۶۲ طهارت و نجاست اعضای پیوندی
- ۶۳ وجوب اهدای عضو در صورت عدم ضرر
- ۶۵ احکام ختنه**
- ۶۷ احکام آموزش پزشکی**
- ۷۳ انجام تحقیقات پزشکی روی حیوانات

۷۳ ضرورت یادگیری پزشکی برای بانوان
۷۴ قرار دادن خود در معرض آزمایشهای خطرناک، برای پیشرفت علم پزشکی
۷۴ انجام آزمایشهای پزشکی بر روی بیمار بدون اطلاع او
۷۴ فاش کردن اسرار بیمار برای پیشرفت علم پزشکی
۷۵ پژوهش در طب اسلامی
۷۵ آموزش اقشار جامعه برای مبارزه با ایدز
۷۶ لزوم یادگیری مسائل شرعی مورد ابتلا برای پیراپزشکان
۷۶ دستورات غیرشرعی در مؤسسات پزشکی

۷۷ احکام مماثل

۸۱ معاینه‌ی پزشکی توسط نامحرم برای کنترل سلامتی
۸۱ نگاه به جسد همجنس و غیرهمجنس
۸۱ محرمیت پزشک غیرمماثل برای درمان نازائی
۸۲ مراجعه به پزشک نامحرم در موارد ضروری
۸۲ مراجعه‌ی روستائیان به پزشک نامحرم
۸۳ برهنه کردن بیمار برای حفظ حالت استریل اتاق عمل
۸۳ کمک مرد به زن در حال زایمان
۸۴ حجامت کردن نزد نامحرم
۸۴ قرار دادن «تورپلانت» توسط پزشک نامحرم
۸۵ مراجعه بیمار زن به دندانپزشک مرد

۸۶..... احکام خون

انتقال خون بین مسلمان و غیرمسلمان..... ۸۷

فروش خون..... ۸۷

۸۸ احکام داروها و داروخانه‌ها

تهیه‌ی داروهای ضروری از منابع حرام یا نجس..... ۸۹

وظیفه‌ی داروساز در مواقع ضروری..... ۸۹

ضمان کارکنان داروخانه در قبال تحویل دارو..... ۸۹

درمان با داروی موجب مرگ زودرس..... ۹۰

فروش داروی خطرناک بدون تجویز پزشک..... ۹۰

۹۱ احکام نجاست

اطلاع دادن نجاست وسایل پزشکی به بیمار..... ۹۲

نجاست وسایل بیمارستان‌های بلاد غیراسلامی..... ۹۲

استفاده از نخ بخیه‌ی تهیه شده از حرام گوشتان..... ۹۲

خونریزی در حال اعمال جراحی دهان..... ۹۳

ورود مجدد وسایل پزشکی نجس به داخل دهان..... ۹۳

۹۴..... احکام آتانازی (قتل از روی ترحم)

تزریق مواد کشنده به محتضر..... ۹۵

کشتن بیمار مرگ مغزی..... ۹۵

تسریع در مرگ بیمار..... ۹۶

۹۶..... حکم بیمارکشی از روی ترحم.....

۹۸..... احکام حق طبابت و گواهی پزشکی

۹۹ حق طبابت و گواهی پزشکی

۹۹ دریافت حق طبابت قبل از بهبودی بیمار

۹۹ دریافت حق طبابت از بیماری که بهبود نیافته

۱۰۰..... دریافت حق طبابت و عمل قبل از انجام آن کار

۱۰۰..... نوشتن گواهی پزشکی.....

۱۰۰..... صدور گواهی نادرست برای بیمار

۱۰۱..... مطالبه‌ی مبلغ اضافی از بیمار بابت عمل جراحی

۱۰۲..... احکام ضمان

۱۰۳..... ضمان ضرر ناشی از حساسیت دارویی بیمار.....

۱۰۳..... ضمان لطمات وارده بر بیمار در حین درمان وی

۱۰۴..... ضمان لطمات وارده از طرف دستیاران پزشک

۱۰۴..... ضمان لطمات وارده شده به بیمار بدون تفریط پزشک

۱۰۵..... احکام مربوط به عمل جراحی

۱۰۶..... اجازه‌ی عمل جراحی

۱۰۶..... عمل جراحی بدون اجازه‌ی بستگان بیمار

۱۰۶..... انجام جراحی ضروری بدون رضایت بیمار

۱۰۷..... انجام جراحی غیر ضروری به اصرار همراهان بیمار

درمان‌های پرخطر برای تأخیر انداختن مرگ ۱۰۷

توقف زندگی بیمار بر عمل جراحی ۱۰۸

احکام مسائل متفرقه‌ی پزشکی ۱۰۹

جراحی بینی و گوش ۱۱۰

استفاده از هیپنوتیزم ۱۱۰

فاش کردن اسرار بیمار برای بستگانش در موارد ضروری ۱۱۱

دادن پرونده‌ی پزشکی بیمار به سایر پزشکان ۱۱۱

کسانی که فقط از نظر پزشکی زنده‌اند ۱۱۱

استفاده از سلول‌های بنیادین برای مقاصد درمانی ۱۱۲

استفاده از میوه‌های ژنتیکی ۱۱۲

شبیه‌سازی حیوانات ۱۱۲

روکش طلا و پلاتین دندان ۱۱۳

ترک معالجه‌ی بیمار روانی خطرناک ۱۱۳

نبش قبر مشکوک ۱۱۴

مقدمه

مقدمه‌ی رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين و الصلّوه و السّلام على رسول الله و

على آله الاطيبين الاطهرين المتتجين

باورمندی و تبعیت به شریعت مقدس اسلام و احکام نورانی و حیات‌بخش آن دو سرمایه‌ی گرانبهایی است که در پرتو تعالیم نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) مسیر نیل به مقام قرب الهی را آسان و هموار می‌سازد.

بی‌گمان دو گوهر تعالی‌بخش فوق، زمانی به بار می‌نشینند که با آگاهی صحیح و عمیق از معارف ناب دین مبین اسلام و احکام عملی آن قرین باشد؛ احکامی که از سرچشمه‌ی وحی نشئت گرفته است و تمام ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد.

خدا را سپاسگزارم که امروزه صعود به قله‌های کمال اخلاقی و معرفت دینی، وجه همت اندیشمندان و فرهیختگان دانشگاهی ما قرار گرفته و امید است که نام مجامع علمی ما را بر تارک عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی و معنوی جهان بنشانند.

در این میان، تلاش در راستای ارتقای معرفت دینی دانشگاهیان، مأموریت
سترگی است که مسئولیت همهی ارکان فرهنگی، به ویژه نهاد نمایندگی مقام
معظم رهبری در دانشگاه‌ها را دوچندان می‌سازد.

مجموعه‌ی فاخر پیش رو- که گامی در جهت تحقق آرمان بلند فوق است -
به همت دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی
تهران به انجام رسیده و کوششی در راستای افزایش آگاهی دانشگاهیان
ارجمند نسبت به احکام فقهی پزشکی است.

امید آنکه زحمات ارزشمند عزیزان در آن نهاد مقدس، مرضی خداوند متعال
و حضرت بقیةالله الاعظم (ارواحنا فداه) بوده و ذخیره‌ی عالم باقی آنان قرار
گیرد.

محمد محمدیان

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

با اهدای درود و سلام به روح ملکوتی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و شهدای گران‌قدر اسلام و آرزوی سلامتی و طول عمر برای مقام عظمای ولایت.

توسعه‌ی شتابان علوم در عرصه‌های مختلف حیات انسانی و رویکرد تخصص‌محور در مسائل مربوط به آن، سؤالات و مسائل جدیدی را - به ویژه در حوزه‌ی اخلاق و احکام فقهی پزشکی - در پیش روی فرهیختگان و استادان ارجمند و متدین دانشگاهی قرار داده است.

بی‌شک پاسخ به نیازهای مذکور، گام مؤثری در راستای ارتقای سطح معرفتی دانشگاهیان بوده و در جریان عمل به احکام مقدس دین مبین اسلام، راه‌گشایی اساسی و مؤثر است.

انطباق عملیات پزشکی با موازین شرع مقدس، از دغدغه‌های دیرینه‌ای است که از سال‌ها پیش در مراکز آموزشی و درمانی پزشکی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و قدم‌های قابل تقدیری برای تحقق این مهم برداشته شده است.

این هدف والا زمانی رنگ تحقق به خود می‌گیرد که پیش از هر چیزی آگاهی لازم از احکام فقه پزشکی به دست آمده باشد؛ مأموریت سترگی که

مسئولیت نهادهای فرهنگی، به ویژه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه را دو چندان می‌سازد. به فضل پروردگار متعال و توجهات خاص حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه) در راستای پیگیری هدف فوق، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۸۶ با حضور کارشناسان خبره در حوزه‌ی فقه پزشکی و برخی استادان مجرب دانشگاه، اقدام به راه‌اندازی کارگروه تخصصی ویژه‌ی احکام پزشکی نمود.

در گام نخست، در ارتباط مکاتبه‌ای با ۱۳۰۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه در رشته‌های مختلف پزشکی و همزمان با جست‌وجوی فراگیر در منابع مختلف دیگر، به ویژه دفاتر مراجع معظم تقلید، بیش از دوهزار سؤال مرتبط به رشته‌های مختلف پزشکی جمع‌آوری و بانک اولیه‌ی سؤالات تشکیل شد.

گام مهم بعدی، بررسی و پالایش سؤالات به دست آمده و سامان‌دهی آنها بر اساس موضوعات تخصصی بود.

مهم‌ترین بخش فعالیت کارگروه فوق، تلاش در جهت دستیابی به جواب سؤالات به دست آمده از منابع متعدد بود که بحمدالله و با همکاری دلسوزانه‌ی دفتر استفتائات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، جامعه‌ی عمل پوشید و در برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده و به صورت تدریجی نظرات معظم له حاصل و در پوشه‌های مربوط به خود قرار گرفت.

آنچه اکنون پیش روی دارید، بخش قابل توجهی از سؤالات تخصصی احکام پزشکی است که بر اساس نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) گردآوری شده و انشاءالله مسیر خویش را در پیگیری سؤالات جدید دیگری می‌نماید.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از همه‌ی عزیزانی که دلسوزانه این دفتر را در تهیه و تدوین این اثر ارزشمند یاری نمودند، به ویژه مسئول بخش استفتانات دفتر مقام معظم رهبری، حجة الاسلام والمسلمین رضایی و حجة الاسلام والمسلمین مدرس‌زاده و استادان گرانقدر دانشگاه علوم پزشکی تهران و نیز معاون محترم دفتر نهاد حجة الاسلام والمسلمین ابوالفتح غفاری و همچنین حجج‌اسلام کاظم صادقی، منصور مرادی و محمدپور کمال تشکر را داشته باشم.

به آن امید که خداوند متعال از همه‌ی ما پذیرا باشد.

دکتر نیکزاد عیسی‌زاده

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

در دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه‌ی رئیسی دانشگاه علوم پزشکی تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

علم استنباط احکام شرع بر مبنای اجتهاد از مکتب معتبر - قرآن کریم، سنت، عقل و اجماع - را فقه می‌نامند و حوزه‌ی علوم پزشکی نیز به عنوان یکی از حوزه‌ی علوم پزشکی نیز به عنوان یکی از حوزه‌های مهم فعالیت‌های هر انسان متدین - چه در شأن گیرنده‌ی خدمات سلامت و چه به عنوان ارائه دهنده‌ی آن - با سوالات متعدد شرعی روبه‌روست و توقع دارد که فقیه جامع شرایط در مقام پاسخگویی این سوالات درآید.

باید توجه داشت که مخاطب اصلی این احکام، دینداران و نیز نظام‌های مبتنی بر ارزش‌های دینی خواهد بود. البته این بدان معنا نیست که افراد یا نظام‌هایی که دغدغه‌های دینی ندارند نسبت به دانستن فقه پزشکی بی‌نیازند؛ چرا که احترام به باورهای جامعه و بیماران، از جمله تعهدات نظام ارائه‌ی خدمات سلامت و تیم آن می‌باشد و لازمه تحقق چنین وظیفه‌ای، داشتن آگاهی‌های لازم در این خصوص است؛ موضوعی که حتی در نظام‌های پیشرو سلامت در جوامع غیر دینی نیز به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است.

طبیعی است که در نظام سلامت جمهوری اسلامی نیز باید در حوزه‌ی فقه پزشکی تأملی جدی صورت گیرد. به نظر می‌رسد در این خصوص موارد زیر به توجه جدی نیاز دارد:

دانش پزشکی در جهان و به ویژه در ایران در دهه‌های اخیر رشد خیره کننده‌ای داشته و متناسب با این رشد، حوزه مداخلات این رشته وسعت یافته و سوالات و ابهامات زیادی را ایجاد نموده است. بخشی از این ابهامات کاملاً ماهیت شرعی داشته و تنها فقیه است که نسبت به آن می‌تواند موضع‌گیری نماید و این موضع‌گیری هم نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت. به عنوان مثال موضوع محرمیت فرزند حاصل از اهدای تخمک با فرد گیرنده‌ی تخمک، موضوع طهارت و نجاست الکل طبی و یا ژلاتین موجود در کپسول دارویی، موضوعاتی نیستند که پزشکان یا حقوقدانان و یا اخلاقیون در مورد آن صاحب نظر باشند. تعداد موضوعات اینچنین در پزشکی کم نبوده و توجه به آن‌ها از جمله نیازهای مهمی است که عدم پاسخگویی به هنگام می‌تواند با مشکلات و زحمات زیادی برای اطبا و بیماران همراه باشد.

از طرفی باید توجه داشت که حوزه‌ی فقه محدود به موضوعات فوق نیست. به نظر می‌رسد فقه در خصوص بسیاری از مباحث اخلاق پزشکی نیز به عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیری در کنار اخلاق، فلسفه و حقوق مطرح می‌باشد. به بیان دیگر اگر چه مجوز شرعی اقدامی چون پیوند، شرط لازم ورود عملی به این حوزه است؛ ولی به دنبال این جواز سؤالات متعددی با ماهیت اخلاقی و حقوقی مطرح می‌شود که در پاسخگویی به آن، علاوه بر دانش پزشکی، اخلاق، حقوق و فلسفه، فقه نیز نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت.

این نکته در مقوله‌ی احکام پزشکی قابل توجه است که موضوع استفتاء نیز باید از ظرایف خاص و مهمی برخوردار باشد که بی توجهی به آن می‌تواند مقلدان را دچار سردرگمی نماید. تبیین جامع و مانع موضوع در استفتاء بخش مهمی از راه است، چرا که اگر اطلاعات ارائه شده در سؤال ناقص، غلط یا دارای سوگرایی باشد، پاسخ دریافت شده نمی‌تواند نیاز مخاطبین را تأمین نماید.

با توجه به مراتب دانش و تجربه‌ی همکار گران‌قدرمان در دانشگاه علوم پزشکی تهران، جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر عیسی‌زاده، به نظر می‌رسد این تلاش نقطه‌ی ارزشمندی در حرکت نظام مند و علمی در مسیر تدوین مجموعه‌ی جامع احکام پزشکی باشد. ضمن سپاس فراوان از ایشان که در کنار فعالیت‌های علمی، همراهی بسیار موثری در پیشبرد اهداف دانشگاه علوم پزشکی تهران داشته‌اند، سلامتی و توفیق روزافزون ایشان را از درگاه ایزد منان خواستارم.

دکتر باقر لاریجانی

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران

اثر حاضر با تلاش مجدانه و همکاری صمیمانه دفتر استفتائات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)، توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی تهران به صورت کتاب تهیه و گردآوری شده است، و طی نامه شماره ۷۱۰۷ ارائه شده به آن دفتر از طرف مسئول محترم بخش استفتائات دفتر معظم له حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای رضایی (زید عزه) مورد تائید قرار گرفته است.

احکام زایمان

جلوگیری از بارداری

۱ - آیا برای زنی که سالم است، جلوگیری از بارداری به‌طور موقت از طریق بکارگیری وسایل و موادی که از انعقاد نطفه جلوگیری می‌کنند، جایز است؟

ج: اگر با موافقت شوهر باشد، اشکال ندارد.^۱

۲ - استفاده از یکی از دستگاه‌های جلوگیری از بارداری که چگونگی جلوگیری از حاملگی توسط آن تا به امروز معلوم نشده، ولی به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از بارداری شناخته شده است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب از بین رفتن نطفه بعد از استقرار آن در رحم شود و یا مستلزم نگاه و لمس حرام باشد، جایز نیست.^۲

۳ - آیا جلوگیری دائم از حاملگی برای زنی که از خطر بارداری خوف دارد، جایز است؟

ج: جلوگیری از بارداری در فرض مذکور اشکال ندارد؛ بلکه اگر حاملگی برای حیات مادر خطر داشته باشد، باردار شدن بطور اختیاری جایز نیست.^۳

۴ - آیا جلوگیری دائمی از بارداری برای زنانی که زمینه مساعدی برای به دنیا آوردن فرزندی معیوب یا مبتلا به بیماری‌های ارثی جسمی و روانی دارند، جایز است؟

ج: اگر با یک غرض عقلائی صورت بگیرد و ضرر قابل توجهی هم نداشته باشد و با اجازه‌ی شوهر باشد، اشکال ندارد.^۱

۵ - بستن لوله‌های منی مرد برای جلوگیری از افزایش جمعیت چه حکمی دارد؟

ج: اگر این کار با یک غرض عقلائی صورت بگیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد.^۲

۶ - آیا زن سالمی که حاملگی برای او ضرری ندارد، جایز است از طریق عزل یا دستگاه دیافراگم یا خوردن دارو و یا بستن لوله‌های رحم، از بارداری جلوگیری کند، و آیا جایز است شوهرش او را وادار به استفاده از یکی از این راه‌ها غیر از عزل نماید؟

ج: جلوگیری از بارداری فی نفسه به طریق عزل، اشکال ندارد و همچنین استفاده از راه‌های دیگر هم اگر با یک غرض عقلائی صورت گیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته و با اجازه‌ی شوهر بوده و مستلزم لمس و نظر حرام نباشد، اشکال ندارد. ولی شوهر حق ندارد همسر خود را به این کار وادار نماید.^۳

۷ - آیا جایز است زن بارداری که قصد دارد لوله‌های رحم خود را ببندد، از طریق عمل سزارین فرزند خود را به دنیا آورد تا در هنگام آن عمل، لوله‌های خود را هم ببندد؟

۱- اجوبة‌الاستفتائات، سؤال ۱۲۵۵، صفحه‌ی ۲۷۶

۲- همان، سؤال ۱۲۵۶، صفحه‌ی ۲۷۶

۳- همان، سؤال ۱۲۵۷، صفحه‌ی ۲۷۶

ج: حکم بستن لوله‌های رحم قبلاً گذشت، ولی جواز عمل سزارین متوقف بر نیاز به آن یا درخواست خود زن باردار است و به هر حال لمس و نظر مرد اجنبی به زن هنگام عمل سزارین و بستن لوله‌های رحم حرام است. مگر در حال ضرورت.^۱

۸ - آیا جایز است زن بدون اجازه‌ی شوهرش از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده نماید؟

ج: محل اشکال است.^۲

۹ - مردی که دارای چهار فرزند است، اقدام به بستن لوله‌های منی خود کرده است، آیا در صورت عدم رضایت زن، آن مرد گناهکار محسوب می‌شود؟

ج: جواز این کار متوقف بر رضایت زوجه نیست و چیزی بر عهده‌ی مرد نمی‌باشد.^۳

جلوگیری از بارداری زنی که در معرض خطر است

س: آیا در صورتی که بچه‌دار شدن موجب بروز خطراتی برای مادر باشد، زن می‌تواند با اذن شوهر از انعقاد نطفه جلوگیری کند؟ بدون اذن شوهر چطور؟

۱- اجوبة الاستفتائات ، سؤال ۱۲۵۸، صفحه‌ی ۲۷۷

۲- همان، سؤال ۱۲۵۹، صفحه‌ی ۲۷۷

۳- همان، سؤال ۱۲۶۰، صفحه‌ی ۲۷۷

ج: مانعی ندارد، اما در صورتی که باردارشدن برای او خطر قابل توجه داشته و حرجی باشد، بدون اذن شوهر نیز می‌تواند مانع انعقاد نطفه شود.^۱

وظیفه‌ی شخصی که خود را عقیم کرده

س: شخصی با عمل جراحی خود را عقیم کرده، آیا واجب است دوباره خود را معالجه کند تا در صورت امکان به حالت اول درآید؟

ج: واجب نیست.^۲

حق تقدم در عقیم کردن زوجین

س: در صورتی که بستن لوله‌های زن یا مرد اجازه داده شود، حق تقدم با کدام یکی است؟

ج: در صورت رعایت شروط شرعی حق تقدمی در کار نیست و از جهت تفاوت موقعیت افراد با پزشک مشورت شود.^۳

جلوگیری از بارداری با «آی.یو.دی»

س: با توجه به اینکه در قرار دادن «آی.یو.دی»، در حال حاضر، لمس و نظر صورت می‌گیرد، آیا انجام دادن این عمل توسط پزشک زن، جایز است؟

ج: در فرض مرقوم جایز نیست مگر در مقام ضرورت.^۴

کنترل جمعیت

س: نظر اسلام در مورد کنترل توالد چیست؟ آیا مسلمانان می‌توانند از آن استفاده کنند؟ آیا استفاده از کاندوم و... صحیح است؟

ج: کنترل توالد و ازدیاد اولاد و استفاده از کاندوم فی‌نفسه اشکال ندارد.^۱

سزارین زنی که توانایی زایمان طبیعی دارد

س: برخی از خانم‌های حامله که می‌توانند به وضع طبیعی زایمان کنند، اصرار دارند که سزارین شوند تا درد کمتری را تحمل کنند. در این زمینه نظر حضرت‌عالی چیست؟

ج: اگر ضروری برای خود مادر یا کودک نداشته باشد، منعی ندارد.^۲

احکام مربوط به سقط جنین (کورتاژ)

۱ - آیا سقط جنین بر اثر مشکلات اقتصادی جایز است؟

ج: سقط جنین به مجرد وجود مشکلات و سختی‌های اقتصادی جایز نمی‌شود.^۱

۲ - پزشک بعد از معاینه در ماه‌های اول حاملگی به زن گفته است که استمرار بارداری احتمال خطر جانی برای او دارد و در صورتی که حاملگی ادامه پیدا کند، فرزندش ناقص‌الخلقه متولد خواهد شد و به همین دلیل پزشک دستور سقط جنین داده است، آیا این کار جایز است؟ و آیا سقط جنین قبل از دمیده شدن روح به آن جایز است؟

ج: ناقص‌الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین، حتی قبل از ولوج روح در آن محسوب نمی‌شود، ولی اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد.^۲

۳ - پزشکان متخصص می‌توانند از طریق استفاده از روش‌ها و دستگاه‌های جدید، نواقص جنین در دوران بارداری را تشخیص دهند و با توجه به مشکلاتی که افراد ناقص‌الخلقه بعد از تولد در دوران زندگی با آن مواجه می‌شوند، آیا سقط جنینی که پزشک متخصص و مورد اطمینان آن را ناقص‌الخلقه تشخیص داده، جایز است؟

۱- اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۲۶۱، صفحه ۲۷۷

۲- همان، سؤال ۱۲۶۲، صفحه ۲۷۷

ج: سقط جنین در هر سنی به مجرد ناقص الخلقه بودن آن و یا مشکلاتی

که در زندگی با آن مواجه می‌شود، جایز نمی‌شود.^۱

۴ - آیا از بین بردن نطفه‌ی منعقد شده‌ای که در رحم مستقر شده، قبل رسیدن به مرحله‌ی علقه که تقریباً چهل روز طول می‌کشد، جایز است؟ و اصولاً در کدام یک از مراحل ذیل سقط جنین حرام است:

۱ - نطفه‌ی استقرار یافته در رحم،

۲ - علقه،

۳ - مضغه،

۴ - عظام (قبل از دمیدن روح).

ج: از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در

هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست.^۲

۵ - بعضی از زوج‌ها، مبتلا به بیماری‌های خونی بوده و دارای ژن معیوب می‌باشند و در نتیجه ناقل بیماری به فرزندان خود هستند و احتمال اینکه این فرزندان مبتلا به بیماری‌های شدید باشند، بسیار زیاد است و چنین کودکانی از بدو تولد تا پایان عمر، دائماً در وضع مشقت باری به سر خواهند برد. مثلاً بیماران هموفیلی همواره ممکن است با کوچک‌ترین ضربه‌ای دچار

۱- اجوبة الاستفتانات، سؤال ۱۲۶۳، صفحه‌ی ۲۷۸

۲- همان، سؤال ۱۲۶۴، صفحه‌ی ۲۷۸

خونریزی شدید منجر به فوت و فلج شوند. حال آیا با توجه به اینکه تشخیص این بیماری در هفته‌های اول بارداری ممکن است، آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟

ج: اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن چنین فرزندی موجب حرج می‌باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند؛ ولی بنا بر احتیاط، دیه‌ی آن باید پرداخت شود.^۱

۶ - سقط جنین فی نفسه چه حکمی دارد؟ و در صورتی که ادامه‌ی بارداری برای زندگی مادر خطر داشته باشد، حکم آن چیست؟

ج: سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح، اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست، حتی اگر ادامه‌ی حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، مگر آنکه استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد، ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد.^۲

۱- اجوبة الاستفتانات، سؤال ۱۲۶۵، صفحه‌ی ۲۷۸

۲- همان، سؤال ۱۲۶۴، صفحه‌ی ۲۷۸

۷- زنی جنین هفت ماهه‌ی خود را که ناشی از زنا بوده بنا به درخواست پدرش سقط کرده است، آیا دیه بر او واجب است؟ و بر فرض ثبوت دیه، پرداخت آن بر عهده‌ی مادر است یا پدر او؟ و در حال حاضر به نظر شما مقدار آن چقدر است؟

ج: سقط جنین حرام است هرچند بر اثر زنا باشد و درخواست پدر باعث جواز آن نمی‌شود و در صورتی که مادر مباشر در سقط جنین باشد، دیه بر عهده‌ی مادر است. اما در مقدار دیه‌ی جنین در فرض سؤال، تردید وجود دارد و احوط این است که مصالحه شود و این دیه در حکم ارث کسی است که وارث ندارد.^۱

۸- مقدار دیه‌ی جنینی که دو ماه و نیم عمر دارد، در صورتی که عمداً سقط شود چقدر است و پرداخت آن بر عهده‌ی کیست؟

ج: اگر علقه باشد، دیه‌ی آن چهل دینار است و اگر مضغه باشد، شصت دینار است و اگر استخوان بدون گوشت باشد، هشتاد دینار است و دیه به وارث جنین با رعایت طبقات ارث پرداخت می‌شود؛ ولی وارثی که مباشر سقط جنین بوده، از آن سهمی ندارد.^۲

۹- اگر زن بارداری مجبور به معالجه‌ی لثه یا دندان‌هایش شود و بر اساس تشخیص پزشک متخصص نیاز به عمل جراحی پیدا کند، آیا با توجه به اینکه

۱- اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۱۲۶۷، صفحه‌ی ۲۷۹

۲- همان، سؤال ۱۲۶۸، صفحه‌ی ۲۷۹

بیهوشی و عکس‌برداری با اشعه باعث نقص جنین در رحم می‌شود، سقط جنین برای او جایز است؟

ج: دلیل مذکور مجوزی برای سقط جنین محسوب نمی‌شود.^۱

۱۰ - اگر جنین در رحم، مشرف به موت حتمی باشد و باقی ماندن آن در رحم به همان حال برای زندگی مادر خطرناک باشد، آیا سقط آن جایز است و اگر شوهر آن زن مقلد کسی باشد که سقط جنین در حالت مذکور را جایز نمی‌داند، ولی زن و اقوام او از کسی تقلید می‌کنند که آن را جایز می‌داند، تکلیف مرد در این حالت چیست؟

ج: چون در فرض سؤال امر دائر است بین مرگ حتمی طفل به تنهایی و بین مرگ حتمی طفل و مادر او، بنابراین چاره‌ای جز این نیست که لااقل زندگی مادر با سقط جنین نجات داده شود و در فرض سؤال، شوهر حق ندارد همسرش را از این کار منع کند، ولی واجب است تا حد امکان به گونه‌ای عمل شود که قتل طفل مستند به کسی نشود.^۲

۱۱ - آیا سقط جنینی که نطفه‌اش با وطی به شبهه توسط فرد غیر مسلمان و یا با زنا منعقد شده، جایز است؟

۱- اجوبه‌الاستفتائات، سؤال ۱۲۶۹، صفحه‌ی ۲۷۹

۲- همان، سؤال ۱۲۷۰، صفحه‌ی ۲۷۹

ج: جایز نیست.^۱

سقط جنین به خاطر حفظ آبرو

س: اگر بارداری باعث خجالت و آبروریزی من یا خانواده‌ام شود، آیا می‌توانم در سه‌ماهه‌ی اول آن را سقط کنم؟

ج: سقط جنین شرعاً حرام است و آنچه در سؤال ذکر شده، مجوز آن نمی‌باشد.^۲

حکم سقط جنین

س: این‌جانب زنی باردار هستم. با توجه به وضعیت نامناسب جسمانی و ترس از تشدید کم‌خونی، ناراحتی معده و ضعف کلی بدن، مایل به سقط جنین هستم. لطفاً حکم شرعی را بیان کنید.

ج: سقط جنین جایز نیست و موارد مذکور موجب حلیت آن نمی‌باشد.^۳

۱- اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۲۷۱، صفحه‌ی ۲۷۹

۲ و ۳- استفتاء جدید

کتمان ناقص بودن جنین از والدین

س: با پیشرفت علوم پزشکی و جنین‌شناسی در دوران بارداری اطباء ناقص‌الخلقه بودن جنین را تشخیص می‌دهند و اگر بخواهند ناقص‌الخلقه بودن جنین را به اطلاع والدین برسانند، ممکن است آنها اقدام به سقط جنین یا اقدام به رفع نقص جنین نمایند، در حالی که احتمال بهبودی بسیار ضعیف است. در فرض سؤال اطلاع دادن دکتر جایز است یا نه؟

ج: اطلاع دادن فی‌نفسه واجب نیست، مگر آنکه قانونی در این زمینه موجود باشد، یا غرض از مراجعه به طبیب و پرداخت پول به او اطلاع از حال جنین باشد.^۱

سقط جنینی که به نظر پزشک حتماً می‌میرد

س: در صورتی که می‌دانیم مسلماً جنین بعد از تولد خواهد مرد، آیا سقط درمانی جایز است؟

ج: اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن جنین فرزندی موجب حرج می‌باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را اسقاط کنند، ولی بنا بر احتیاط، دیه‌ی آن باید پرداخت شود.^۲

دیه‌ی جنینی که به دستور مادر، سقط شده

س: اگر دکتر به دستور مادر، جنین را سقط کند، دیه ثابت می‌شود یا قصاص؟

ج: در فرض مرقوم دیه ثابت می‌شود و بر عهده‌ی دکتر است.^۱

وجوب پرداخت دیه بر مباشر سقط

س: دیه‌ی سقط جنین که با رضایت کامل پدر و مادر، و از راه‌های مختلف انجام می‌شود، به عهده‌ی کیست؟

ج: دیه بر عهده‌ی مباشر سقط می‌باشد. اگر دکتر مستقیماً سقط را انجام دهد، دیه بر عهده‌ی اوست و اگر پرستار تزریق نماید به عهده‌ی اوست و اگر مادر دارو را خورده بر عهده‌ی مادر می‌باشد و در همه‌ی موارد، دیه باید به ورثه‌ی طفل پرداخت شود که در موارد اول و دوم پدر و مادر و در مورد سوم پدر است که اگر ایشان عفو نمایند، ساقط می‌شود؛ هر چند گناه آنکه قتل نفس یا مشابه آن باشد ثابت است.^۲

ملاک در جواز سقط جنین

س: در منابع و عرف پزشکی، خطر جانی و مرگ مادر و احتمال عوارض در حاملگی‌ها و بیماری‌های مختلف، با درصد تعیین می‌شود. آیا سقط درمانی، فقط در مواردی که درصد بالایی از خطر، مادر یا کودک را تهدید می‌کند، جایز است، یا درصد پایین نیز می‌تواند مجوز باشد؟

ج) ناقص‌الخلقه بودن جنین، مجوز شرعی برای سقط جنین - حتی قبل از ولوج روح در آن - محسوب نمی‌شود، ولی اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی مستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد و یا موجب مشقت شدیده باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد.^۱

از بین بردن تعدادی از جنین‌ها برای حفظ بقیه

س: با توجه به روش‌های درمان نازایی که در حال حاضر انجام می‌شود، گاهی اوقات حاملگی‌های چند قلو (چهار قلو) اتفاق می‌افتد، که در اکثر موارد، با زایمان زودرس در ماه‌های پنجم و ششم همراه است و جنین‌ها به ثمر نرسیده و از بین می‌روند. یکی از روش‌هایی که امروزه در دنیا انجام می‌شود، کاهش تعداد این جنین‌ها در ماه‌های اول حاملگی (پنجاه تا شصت

روزگی) است، تا بقیه‌ی جنین‌ها بتوانند رشد نمایند و حاملگی به ثمر برسد.

آیا این روش درمانی از نظر شرع مقدس اسلام جایز است یا خیر؟

ج: اگر کاهش بعضی از جنین‌ها، موجب زنده ماندن بقیه شود (و عدم

کاهش، سبب از بین رفتن همه‌ی آنها گردد) اشکال ندارد.^۱

خارج کردن زود هنگام جنین از رحم مادر برای نجات جان او

س: اگر دکتر متخصص تشخیص دهد که اگر جنین با عمل جراحی خارج

شده و در دستگاه نگهداری شود، به حیات خود ادامه خواهد داد، آیا جایز

است که اقدام به عمل جراحی شود؟ آیا حکم مسئله، قبل از ولوج روح و

بعد از آن فرق دارد یا نه؟

ج: با فرض اینکه جنین در دستگاه زنده خواهد ماند، بیرون آوردن آن

اشکالی ندارد و فرقی بین قبل از ولوج روح و بعد از ولوج روح نیست.^۲

سقط جنین عمدی

س: من در هفته‌ی دهم حاملگی عمداً جنین را سقط کرده‌ام. نسبت به سقط

جنین چه باید بکنم؟

ج: سقط جنین بر شما حرام بوده است که مرتکب شدید، ولی کفاره ندارد لیکن دیه‌ی شرعی جنین را ضامن هستید، و باید دیه را به وارث شرعی او بپردازید و خودتان از این دیه ارث نمی‌برید.^۱

احکام تلقیح مصنوعی

۱ - الف) آیا لقاح آزمایشگاهی در صورتی که اسپرم و تخمک از زن و شوهر شرعی باشد، جایز است؟

ج: عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام مانند لمس و نظر اجتناب شود.^۱

ب) بر فرض جواز، آیا جایز است این کار توسط پزشکان نامحرم صورت بگیرد؟ و آیا فرزندی که از این طریق به دنیا می‌آید ملحق به زن و شوهری است که صاحب اسپرم و تخمک هستند؟

ج: کودکی که از این طریق متولد می‌شود، ملحق به زن و شوهری است که صاحب اسپرم و تخمک هستند.^۲

ج) بر فرض که عمل مذکور فی نفسه جایز نباشد، آیا موردی که نجات زندگی زناشویی متوقف بر آن باشد، از حکم عدم جواز استثناء می‌شود؟

ج: گفته شد که عمل مذکور فی نفسه جایز است.^۳

۲ - گاهی بعضی از زوجها به علت عدم تخمک‌گذاری در زن که وجود آن برای عمل لقاح ضروری است، مجبور به جدایی شده و یا به علت عدم امکان درمان بیماری و بچه‌دار نشدن، با مشکلات زناشویی و روحی مواجه

می‌شوند، آیا در این صورت جایز است که به روش علمی از تخمک‌گذاری زن دیگری برای انجام عمل لقاح با نطفه‌ی شوهر در خارج از رحم استفاده شود و سپس نطفه‌ی لقاح یافته به رحم آن زن منتقل گردد؟

ج: عمل مذکور هر چند فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی کودکی که از این طریق متولد می‌شود ملحق به صاحب نطفه و تخمک بوده و الحاق آن به زنی که صاحب رحم است، مشکل می‌باشد. لذا باید نسبت به احکام شرعی مربوط به نسب، احتیاط رعایت شود.^۱

۳ - اگر نطفه از شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش لقاح شده و سپس به رحم او منتقل شود، اولاً آیا این عمل شرعاً جایز است؟ ثانیاً آیا کودکی که متولد می‌شود، فرزند آن مرد است و از نظر شرعی به او ملحق می‌شود؟ و ثالثاً آیا فرزندی که به دنیا می‌آید از صاحب نطفه ارث می‌برد؟

ج: عمل مذکور فی‌نفسه اشکال ندارد و کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می‌شود و الحاق آن به صاحب نطفه هم بعید نیست، ولی از او ارث نمی‌برد.^۲

۴ - آیا تلقیح نطفه‌ی مردی نامحرم به همسر مردی که بچه‌دار نمی‌شود، از طریق قراردادن نطفه در رحم او جایز است؟

۱- اجوبه‌الاستفتائات، سؤال ۱۲۷۳، صفحه‌ی ۲۸۰

۲- همان، سؤال ۱۲۷۴، صفحه‌ی ۲۸۰

ج: تلقیح زن از طریق نطفه‌ی مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد، ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی‌شود؛ بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.^۱

۵ - اگر زن شوهرداری به علت یائسگی یا غیر آن تخمک‌گذاری نکند، الف) آیا جایز است تخمکی از زن دوم شوهرش، بعد از تلقیح با نطفه‌ی شوهر به رحم او منتقل شود؟ و آیا در این مورد تفاوتی هست بین اینکه او یا زن دوم، همسر دائم باشند یا موقت؟

ج: اصل عمل مذکور شرعاً مانعی ندارد و در این حکم، فرقی نیست بین اینکه نکاح آنان دائم باشد یا منقطع و یا یکی دائم باشد و یکی منقطع.^۲

ب) کدام یک از دو زن مادر کودک خواهند بود؟ صاحب تخمک یا صاحب رحم؟

ج: کودک ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است و الحاق او به صاحب رحم هم، مشکل است، بنابراین باید در ترتیب آثار نسب، نسبت به وی احتیاط مراعات شود.^۳

۱- اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۱۲۷۵، صفحه‌ی ۲۸۱

۲- همان، سؤال ۱۲۷۶، صفحه‌ی ۲۸۱

۳- همان، سؤال ۱۲۷۶، صفحه‌ی ۲۸۱

ج) آیا این عمل در صورتی که نیاز به تخمک همسر دیگر به خاطر ضعف تخمک زن صاحب رحم باشد، به حدی که در صورت لقاح نطفه‌ی شوهر با آن، خوف این وجود داشته باشد که کودک معیوب متولد شود، نیز جایز است؟

ج: این کار فی نفسه جایز است.^۱

۶ - آیا در صورت‌های زیر تلقیح زن با نطفه‌ی شوهرش که از دنیا رفته، جایز است؟

الف - بعد از وفات شوهر، ولی قبل از انقضای عدّه،

ب - بعد از وفات او و بعد از انقضای عدّه،

ج - اگر آن زن بعد از فوت شوهرش با مرد دیگری ازدواج نماید، آیا جایز است خود را با نطفه‌ی شوهر اولش تلقیح کند؟ و آیا در صورت فوت شوهر دوم، جایز است خود را با نطفه‌ی شوهر اولش بارور کند؟

ج: این عمل فی نفسه اشکال ندارد و فرقی نمی‌کند که قبل از انقضای عدّه باشد یا بعد از آن و همچنین فرقی نیست بین اینکه ازدواج کرده باشد یا خیر، و در صورت ازدواج هم فرقی نمی‌کند که لقاح با نطفه‌ی شوهر اولش بعد از وفات شوهر دومش باشد یا در حال حیات او، ولی

اگر شوهر دوم او زنده باشد، باید این کار با اجازه و اذن او صورت بگیرد.^۱

۷- امروزه می‌توان تخمک‌هایی را که در خارج از رحم بارور شده‌اند در مکان‌های مخصوصی به‌طور زنده نگهداری کرد و در صورت نیاز آنها را در رحم صاحب تخمک قرار داد، آیا این کار جایز است؟

ج: این عمل فی‌نفسه اشکال ندارد.^۲

بانک اسپرم

س: نگهداری اسپرم غیر شوهر- اعم از محارم زن یا غیر محرم با زن - در بانک اسپرم یا محل نگهداری دراز مدت اسپرم مرد و استفاده از آن در مواقع لزوم برای زن، چه حکمی دارد؟

ج: تلقیح زن از طریق نطفه‌ی مرد نامحرم فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و غیر آنها اجتناب شود و به هر حال در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی‌شود، بلکه ملحق به صاحب نطفه و به زنی است که صاحب رحم و تخمک است.^۳

۱- اجوبةالاستفتانات، سؤال ۱۲۷۷، صفحه‌ی ۲۸۱

۲- همان، سؤال ۱۲۷۸، صفحه‌ی ۲۸۱

۳- استفتاء جدید

تخمک‌های باقی مانده در آزمایشگاه

س: بعد از انتقال تخم لقاح یافته، تعدادی از آنها در آزمایشگاه باقی می‌ماند. حکم استفاده از آنها برای زن و شوهر نازای دیگر و یا دور ریختن یا کارهای آزمایشگاهی مانند مطالعات ژنتیک بر روی آنها چیست؟

ج: اشکال ندارد.^۱

روش‌های برداشت تخمک از زن

س: از آنجایی که در انجام لقاح آزمایشگاهی، جهت آبستنی مصنوعی، گرفتن اسپرم (نطفه) از شوهر و نیز برداشت تخمک از تخمدان زن ضرورت دارد، نظر مبارک حضرت عالی در موارد ذیل چیست؟

۱- برداشت تخمک از تخمدان با هدایت سونوگرافی (دستگاه تصویربرداری با کمک امواج ماوراء صوت) از طریق مهبل (واژن) زن، که این کار توسط متخصص زنان و در اتاق عمل، تحت شرایط کاملاً استریل (بهداشتی) و با ضرورت نگاه به عورت زن انجام می‌پذیرد.

۲- برداشت تخمک با هدایت سونوگرافی، ولی از طریق لاپاراسکوپی (یعنی بازکردن شکاف کوچک در جدار شکم) که مستلزم نگاه به عورت زن نیست. شایان ذکر است در سال‌های اخیر به خاطر پرخطر و پرهزینه بودن، از این روش استفاده نمی‌شود.

ج: در تمامی موارد عمل مذکور فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام مانند لمس و نظر اجتناب شود.^۱

استفاده از تخمک زن اجنبی با وجود تخمک ضعیف زوجه برای باروری

س: تخمک‌های زنی ضعیف می‌باشد و لذا فرزندان ناقص‌الخلقه‌ای به دنیا می‌آورد. آیا جایز است تخمک زن دومی را در آزمایشگاه با اسپرم شوهر زن اول لقاح دهند و سپس جنین را به رحم زن اول منتقل نمود؟

ج) فی نفسه منعی ندارد.^۲

احکام تغییر جنسیت

۱ - برخی از افراد در ظاهر مذکر هستند، ولی از جهات روحی و روانی ویژگی‌های جنس مؤنث را دارند و تمایلات جنسی زنانه در آنان به‌طور کامل وجود دارد و اگر مبادرت به تغییر جنسیت نکنند به فساد می‌افتند. آیا معالجه‌ی آنان از طریق انجام عمل جراحی جایز است؟

ج: عمل جراحی مذکور برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و ترتب مفسده‌ای نباشد.^۱

۲ - انجام عمل جراحی برای الحاق فرد خنثی به زن یا مرد چه حکمی دارد؟
ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود.^۲

جواز تغییر جنسیت

س: آیا تغییر جنسیت جایز است یا خیر؟

ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود.^۳

۱- اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۲۷۹، صفحه‌ی ۲۸۲

۲- همان، سؤال ۱۲۸۰، صفحه‌ی ۲۸۲

۳- استفتاء جدید

تغییر جنسیت افراد دو جنسی

س: آیا تغییر جنسیت برای دو جنسی‌ها و اشخاص خنثی که تغییر جنسیت در عمل برای آنان ممکن است تا آنها را به یکی از دو جنس ملحق کنند، و همچنین زنان و مردانی که آثار مرد یا زن بودن به روشنی در آنها دیده می‌شود و لکن در خود بعضی از آثار جنس مخالف و از جمله حرکات و رفتار و سکنات جنس مخالف را مشاهده می‌کنند، جایز است یا نه؟ و آیا تنقیص جنسیت جایز است یا نه؟ لطفاً جواب را مشروحاً بیان فرمایید.

ج: عمل جراحی مذکور برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و ترتب مفسده‌ای نباشد.^۱

تغییر ژنتیکی جنین انسان

س: آیا تغییر ژنتیکی جنین انسان به منظور اصلاح نژاد و ایجاد اوصاف دلخواه در آن، مانند انتخاب رنگ پوست، افزایش ضریب هوشی و غیره، جایز است؟

ج: اگر مستلزم مفسده‌ای نباشد، فی‌نفسه منعی ندارد.^۲

تعیین جنسیت جنین با رژیم غذایی

س: آیا تعیین جنسیت جنین به کمک رژیم غذایی جایز است؟ و آیا این عمل دخالت در، طبیعت و خواست الهی محسوب نمی‌شود؟

ج: فی نفسه اشکال ندارد.^۱

احکام تشریح میت و پیوند اعضاء

۱ - بررسی بیماری‌های قلب و عروق و برگزاری سلسله مباحث راجع به آن، برای کشف مسائل جدید، مستلزم دستیابی به قلب و عروق افرادی است که از دنیا رفته‌اند، تا معاینه و آزمایش بر روی آنها انجام شود، با توجه به اینکه آنان بعد از آزمایشات و بررسی‌ها بعد از یک روز یا بیشتر اقدام به دفن آنها می‌کنند، سؤال این است:

۱ - آیا انجام این بررسی‌ها بر روی جسد فرد مسلمان جایز است؟
۲ - آیا دفن قلب و عروقی که از جسد میت برداشته شده‌اند، جدا از آن جسد، جایز است؟

۳ - با توجه به مشکلات دفن قلب و عروق به‌طور جداگانه، آیا دفن آنها همراه با جسد دیگر، جایز است؟

ج: اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به آن باشد، تشریح جسد میت اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود و اجزایی هم که از جسد فرد مسلمان جدا شده‌اند، در صورتی که دفن آنها با جسد، حرج یا محذوری نداشته باشد، واجب است با خود جسد دفن شود و الاً دفن آنها به‌طور جداگانه و یا با جسد میت دیگر جایز است.^۱

۲ - آیا تشریح برای تحقیق در علت مرگ در صورت مشکوک بودن، مانند شک در اینکه میت بر اثر سم مرده یا خفگی و یا غیر آن، جایز است یا خیر؟

ج: اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.^۱

۳- تشریح جنین سقط شده در تمامی مراحل عمرش، برای دستیابی به اطلاعاتی در علم بافت‌شناسی، با توجه به اینکه وجود درس تشریح در دانشکده‌ی پزشکی ضروری است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر نجات جان نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به تشریح جنین سقط شده باشد، این عمل جایز است. ولی سزاوار است که تا حد امکان از جنین سقط شده متعلّق به مسلمانان و یا کسی که محکوم به اسلام است استفاده نشود.^۲

۴- آیا استخراج قطعه‌ی پلاتین از بدن میّت مسلمان از طریق تشریح جسد قبل از دفن، به علت قیمت و کمبود آن، جایز است؟

ج: استخراج پلاتین در فرض سؤال، به شرطی که بی‌احترامی به میّت محسوب نشود، جایز است.^۳

۱- اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۱۲۸۲، صفحه‌ی ۲۸۳

۲- همان، سؤال ۱۲۸۳، صفحه‌ی ۲۸۳

۳- همان، سؤال ۱۲۸۴، صفحه‌ی ۲۸۳

۵ - آیا نبش قبور اموات - اعم از اینکه در قبرستان مسلمانان باشند یا غیر آنها - برای دستیابی به استخوان آنان به منظور استفاده‌های آموزشی در دانشکده پزشکی جایز است؟

ج: نبش قبور مسلمانان برای این کار جایز نیست، مگر آنکه نیاز فوری پزشکی برای دستیابی به آنها وجود داشته باشد و دسترسی به استخوان میّت غیرمسلمان هم ممکن نباشد.^۱

۶ - آیا کاشت مو در سر برای کسی که موهای سرش سوخته است و در انظار عمومی مردم از این جهت رنج می‌برد، جایز است؟

ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد، به شرط اینکه از موی حیوان حلال گوشت و یا موی انسان باشد.^۲

۷ - اگر شخصی مبتلا به بیماری شود و پزشکان از درمان وی ناامید گردند و اعلام نمایند که او به زودی از دنیا خواهد رفت، در این صورت آیا برداشتن اعضای حیاتی بدن او مثل قلب و کلیه و غیره قبل از وفات وی و پیوند آنها به بدن شخص دیگر جایز است؟

ج: اگر برداشتن اعضای بدن او منجر به مرگ وی شود، حکم قتل او را دارد، و در غیر این صورت اگر با اجازه‌ی خود او باشد اشکال ندارد.^۳

۱- اجوبة الاستفتائات ، سؤال ۱۲۸۵ ، صفحه‌ی ۲۸۳

۲- همان ، سؤال ۱۲۸۶ ، صفحه‌ی ۲۸۳

۳- همان ، سؤال ۱۲۸۷ ، صفحه‌ی ۲۸۳

۸ - آیا استفاده از عروق و رگ‌های جسد شخص متوفی برای پیوند به بدن یک فرد بیمار، جایز است؟

ج: اگر با اذن میّت در دوران حیاتش و یا با اذن اولیای او بعد از مردنش باشد و یا نجات جان نفس محترمی منوط به آن باشد، اشکال ندارد.^۱

۹ - آیا در قرنیّه‌ای که از بدن میّت جدا شده و به بدن انسان دیگری پیوند زده می‌شود و در حالی که این کار غالباً بدون اجازه‌ی اولیاء میّت انجام می‌شود، دیه واجب است؟ و بر فرض وجوب، مقدار دیه هر یک از چشم و قرنیّه چقدر است؟

ج: برداشتن قرنیّه از بدن میّت مسلمان حرام است و موجب دیه می‌شود که مقدار آن پنجاه دینار است، ولی اگر با رضایت و اذن میّت قبل از مرگش، برداشته شود، اشکال ندارد و موجب دیه نیست.^۲

۱۰ - یکی از مجروحین جنگ از ناحیه بیضه‌هایش زخمی شده، به طوری که منجر به قطع آنها گشته است، آیا استفاده از داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانه‌اش برای او جایز است؟ و اگر تنها راه دستیابی به نتایج مذکور و پیدا کردن قدرت بچه‌دار شدن، پیوند بیضه‌ی فرد دیگری به او باشد، حکم آن چیست؟

۱- اجوبه‌الاستفتائات، سؤال ۱۲۸۸، صفحه‌ی ۲۸۴

۲- همان، سؤال ۱۲۸۹، صفحه‌ی ۲۸۴

ج: اگر پیوند بیضه به بدن او ممکن باشد به طوری که بعد از پیوند و التیام، جزئی از بدن او شود، از جهت طهارت و نجاست اشکال ندارد و همچنین از جهت قدرت بچه دار شدن و الحاق فرزند به او هم مشکلی نیست. استعمال داروهای هورمونی برای حفظ قدرت جنسی و ظاهر مردانگی اش هم اشکال ندارد.^۱

۱۱ - با توجه به اهمیت پیوند کلیه برای نجات جان بیماران، پزشکان به فکر افتاده اند که یک بانک کلیه ایجاد کنند و این بدین معنی است که افراد زیادی به طور اختیاری مبادرت به اهداء یا فروش کلیه می کنند، آیا فروش یا اهدای کلیه یا هر عضو دیگری از بدن به طور اختیاری جایز است؟ این عمل هنگام ضرورت چه حکمی دارد؟

ج: مبادرت مکلف در هنگام حیات، به فروش یا هدیه کردن کلیه یا هر عضو دیگری از بدن خود برای استفاده بیماران از آنها در صورتی که ضرر معتابه برای او نداشته باشد، اشکال ندارد؛ بلکه در مواردی که نجات جان نفس محترمی متوقف بر آن باشد، اگر هیچ گونه حرج یا ضرری برای خود آن شخص نداشته باشد، واجب می شود.^۲

۱۲ - بعضی از افراد دچار ضایعات مغزی غیر قابل درمان و برگشت می شوند که بر اثر آن، همه ی فعالیت های مغزی آنان از بین رفته و به حالت

۱- اجوبة الاستفتانات، سؤال ۱۲۹۰، صفحه ی ۲۸۴

۲- همان، سؤال ۱۲۹۱، صفحه ی ۲۸۴

اغمای کامل فرو می‌رود و همچنین فاقد تنفس و پاسخ به محرکات نوری و فیزیکی می‌شوند، در این‌گونه موارد احتمال بازگشت فعالیت‌های مذکور به وضع طبیعی کاملاً از بین می‌رود و ضربان خودکار قلب مریض باقی می‌ماند که موقت است و به کمک دستگاه تنفس مصنوعی انجام می‌گیرد و این حالت به مدت چند ساعت و یا حداکثر چند روز ادامه پیدا می‌کند، وضعیت مزبور در علم پزشکی مرگ مغزی نامیده می‌شود که باعث فقدان و از دست رفتن هر نوع شعور و احساس و حرکت‌های ارادی می‌گردد و از طرفی بیمارانی وجود دارند که نجات جان آنان منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است، بنابراین آیا استفاده از اعضای مبتلا به مرگ برای نجات جان بیماران دیگر جایز است؟

ج: اگر استفاده از اعضای بدن بیمارانی که در سؤال توصیف شده‌اند، برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود، جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.^۱

۱۳ - علاقمند هستم اعضای خود را هدیه کرده و از بدن من بعد از مردنم استفاده شود و تمایل خود را هم به اطلاع مسئولین رسانده‌ام. آنان نیز از من خواسته‌اند که آن را در وصیتنامه‌ی خود نوشته و ورثه را هم از خواست خود آگاه کنم، آیا چنین حقی را دارم؟

ج: استفاده از اعضای میت برای پیوند به بدن شخص دیگر برای نجات جان او یا درمان بیماری وی اشکال ندارد و وصیت به این مطالب هم مانعی ندارد، مگر در اعضایی که برداشتن آنها از بدن میت، موجب صدق عنوان مثله باشد و یا عرفاً هتک حرمت میت محسوب شود.^۱

۱۴ - انجام عمل جراحی برای زیبایی چه حکمی دارد؟

ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد.^۲

۱۵ - در صورتی که عمل جراحی زیبایی برای زنان توسط پزشک مرد مستلزم نگاه کردن و لمس باشد آیا انجام آن جایز است؟

ج: عمل جراحی زیبایی، درمان بیماری محسوب نمی شود و نگاه کردن و لمس حرام به خاطر آن جایز نیست، مگر در مواردی که برای درمان سوختگی و مانند آن باشد و پزشک مجبور به لمس و نگاه کردن باشد.^۳

تشریح جسد مسلمان در صورت نبود جسد کافر

س: با توجه به اینکه در شرایط فعلی به دست آوردن جسد انسان کافر ممکن نیست و از طرفی جامعه‌ی اسلامی هم محتاج پزشکیانی ماهر و زبردست

۱- اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۲۹۳، صفحه‌ی ۲۸۵

۲- همان، سؤال ۱۲۹۴، صفحه‌ی ۲۸۵

۳- همان، سؤال ۱۳۰۱، صفحه‌ی ۲۸۶

است تا از این نظر به خودکفایی برسد، لذا خواهشمند است نظر مبارک خود را در مورد تشریح در شرایط فعلی مرقوم فرمایید.

ج: اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به تشریح باشد، این عمل جایز است. ولی سزاوار است که تا حد امکان از جسد متعلق به مسلمانان استفاده نشود؛ لکن در صورت عدم امکان، مانعی ندارد.^۱

تشریح جسد برای تشخیص جرم

س: آیا می‌توان برای تشخیص جرم در مرگ‌های مشکوک، کالبد شکافی کرد یا نه؟ آیا قاضی شرع، بدون رضایت ولی می‌تواند اقدام کند؟

ج: اگر کشف حقیقت متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد و اجازه‌ی ولی شرط است؛ مگر اینکه کشف حقیقت متوقف بر آن بوده و قاضی نیز آن را لازم بداند.^۲

دیه‌ی تشریح میت مسلمان

س: در تعلیم و تعلم طب، تشریح جسد معمول، بلکه ضروری است. آیا برای این موضوع مهم اجتماعی، تشریح جسد مسلمان جایز است یا نه؟ و آیا موجب دیه می‌شود یا نه؟

ج: در صورت امکان استفاده از بدن غیر مسلمان، از بدن مسلمان استفاده نشود و در صورت لزوم دیه ندارد.^۱

وصیت مسلمان بر تشریح جسد یا اهدای اعضاء

س: آیا وصیت قبلی مسلمان در زمان حیات، در مورد استفاده از بدن او برای تشریح یا استفاده از بعضی اعضاء او مانند کلیه، قلب و چشم، اثری در حکم جواز و رفع دیه دارد یا نه؟

ج: در مورد تشریح، در صورت لزوم تأثیری ندارد، لکن در استفاده از اعضاء اگر با رضایت و اذن میت قبل از مرگش و یا با اذن اولیاء او بعد از مردنش باشد اشکال ندارد و موجب دیه نیست.^۲

تشریح مرده‌ی مشکوک

س: آیا تشریح جسدی که در اسلام او تردید است، جایز می‌باشد؟

ج: تشریح مردهی مشکوک که راهی برای حکم به اسلام او نباشد، مانعی ندارد.^۱

تجسس در اسلام میّت برای تشریح

س: آیا دانشجوی پزشکی که موظف به تشریح است باید از کم و کیف چگونگی تهیهی اجساد برای تشریح آگاهی یابد؟ یعنی تجسس کند که آیا مسائل شرعی رعایت شده یا نه؟ جسد مربوط به مسلمان است یا نه؟

ج: تجسس، لازم نیست.^۲

نگاه به جسد نامحرم و لمس آن در زمان تشریح

س: در صورت جایز بودن کالبد شکافی، حکم عورتین و نگاه نامحرم به بدن میت و مس میت موقع کالبد شکافی را بیان فرمائید؟

ج: اگر درمان بیماریها و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آموزشی باشد که یاد گرفتن آن مستلزم نگاه به عورت دیگران است، اشکال ندارد. اگر میت را غسل نداده باشند در صورت مس کردن، آن غسل واجب بر آن مترتب است.^۳

تشریح اجساد اهل تسنن

س: آیا تفاوتی بین اهل تسنن و اهل تشیع، در عدم جواز تشریح جسد، وجود دارد؟

ج: تفاوتی بین مسلمانان، چه اهل تشیع و چه اهل تسنن نیست.^۱

تشریح جسد مسلمان اعدامی

س: آیا می‌توان جسد افراد به ظاهر مسلمان (مسلمان شناسنامه‌ای) را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق مواد مخدر، مسائل سیاسی و ... اعدام شده‌اند، تشریح کرد؟

ج: از اجساد متعلق به مسلمانان و یا کسی که محکوم به اسلام است استفاده نشود، مگر آن که ضرورت باشد. اما ارتداد محکوم به کفر است و استفاده از جسد او مانع ندارد.^۲

تشریح اجساد بی‌وارث

س: در دانشگاه‌های علوم پزشکی، از اجساد افرادی که صاحب ندارند، برای تشریح و یادگیری دانشجویان استفاده می‌شود و یا اعضای آنها را مثل قلب، کبد و کلیه اغلب بدون اجازه‌ی صاحبان میت در شیشه‌ها نگهداری می‌کنند، لطفاً نظرتان را در این مورد بیان فرمایید؟

ج: نداشتن صاحب، دلیل بر جواز امر مذکور نیست.^۱

خرید جسد کفار

س: با وجود امکان تهیهی جسد کافر از خارج که مستلزم تعیین بودجه و خرید آن است، آیا واجب است که مسئولین ذی ربط به آن اقدام نمایند تا از تشریح میت مسلمان جلوگیری شود یا خیر؟

ج: واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود.^۲

تشریح جسد مجهول الهویه

س: گاهی اوقات ممکن است جسد مجهول الهویه‌ای پیدا شود که هیچ اطلاعی از ملیّت و مذهب او وجود ندارد؟ آیا چنین اجسادی قابل تشریح هستند یا نه؟

ج: اگر در بلاد اسلامی، باشد جایز نیست. چون حکم اسلام بر او مترتب است.^۳

پیوند اعضای حیوانات به انسان

س: آیا می‌توان برای پیوند اعضا از اعضای حیوانات چه حرام گوشت چه حلال گوشت و چه نجس‌العین برای انسان استفاده کرد؟ لطفاً نظرتان را در این مورد بفرمایید.

ج: مانع ندارد ولی نماز خواندن با آن اشکال دارد، مگر اینکه از قبیل چیزهایی باشد که دارای حیات است که با پیوند آن به بدن انسان حیات پیدا کند و جزو بدن انسان گردد. و در حکم مذکور تفاوتی میان انواع حیوانات، حتّی نجس‌العین نیست.^۱

پیوند اعضای مسلمان به غیر مسلمان و برعکس

س: پیوند اعضای مسلمان به غیر مسلمان و برعکس چه حکمی دارد؟

ج: در اهدای عضو جهت پیوند، فرقی نیست که گیرنده‌ی مسلمان باشد یا غیر مسلمان.^۲

اهدای اعضای اصلی انسان

س: قطع اعضای غیر رئیسه از شخص زنده چه حکمی دارد؟

ج: اگر حفظ نفس محترمی موقوف بر آن باشد جایز است.^۳

پیوند اعضای مرده

س: قطع اعضای مرده در صورتهای ذیل چه حکمی دارد؟

۱: وصیت کرده بر اینکه اعضای او را پس از مرگ برای پیوند جدا کنند؟
ج: با اجازه ولیّ میّت مانع ندارد.^۱

۲: وصیت نکرده ولی حفظ جان مسلمان بر آن متوقف است؟
ج: در این صورت اشکالی نیست.^۲

گرفتن پول در برابر اهدای عضو

س: پول گرفتن در برابر اعضای جدا شده چه حکمی دارد؟

ج: مانع ندارد و می تواند در مقابل واگذاری حق اختصاص یا در مقابل اجازه دادن پول بگیرد.^۳

طهارت و نجاست اعضای پیوندی

س: پس از پیوند عضو حکم آن از نظر طهارت و نجاست در حالات زیر چگونه است؟

۱- در ابتدای عمل جراحی که پیوند صددرصد برقرار نشده است.

ج: اگر هنوز میته باشد، نجس است.^۱

۲- با گذشت زمان که پیوند صددرصد برقرار شده است.

ج: چنانچه صدق میته به آن نکند، پاک است.^۲

وجوب اهدای عضو در صورت عدم ضرر

س: با توجه به اتفاق فقها در حکم حرمت اضرار به نفس، مبنای حکم جواز پیوند اعضاء چیست؟ چنانچه مبنای این حکم اهمیت حفظ جان مسلمان در برابر حرمت اضرار به نفس باشد، این سؤال مطرح می شود که اگر شخص اهداکننده ی عضو، شیعه و شخص گیرنده ی عضو، غیر شیعه یا غیر مسلم باشد، آیا باز هم حفظ جان چنین شخصی از اضرار به نفس یک شیعه مهم تر است؟

ج: مطلق اضرار به نفس دلیل بر حرمت ندارد و اهدای عضو جهت پیوند به بدن شخص دیگر از مصادیق اضرار به نفس به نحو کلی نیست. زیرا ممکن است برای کثیری از افراد ضرر به همراه نداشته باشد و در اهدای عضو جهت پیوند فرقی نیست که گیرنده مسلمان هم مذهب باشد یا غیر مسلمان، و اگر نجات جان گیرنده ی مسلمان متوقف بر پیوند عضو باشد،

چنانچه برای دهنده ضرر معتنا به نداشته باشد، چه بسا واجب است که اهدا کند و یا بفروشد.^۱

احكام حسنه

۱- آیا ختنه کردن واجب است؟

ج: ختنه پسران واجب است و شرط صحت طواف در حج و عمره می‌باشد و اگر تا بعد از بلوغ به تأخیر بیفتد، بر خود آنان واجب است که ختنه کنند.^۱

۲- شخصی ختنه نکرده، ولی حشفه‌اش به‌طور کامل از غلاف بیرون است، آیا ختنه کردن بر او واجب است؟

ج: اگر بر روی حشفه هیچ مقداری از غلاف که قطع آن واجب است وجود نداشته باشد، ختنه‌ی واجب موردی ندارد.^۲

۳- آیا ختنه کردن دختران واجب است یا خیر؟

ج: واجب نیست.^۳

۱- اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۳۰۵، صفحه‌ی ۲۸۷

۲- همان، سؤال ۱۳۰۶، صفحه‌ی ۲۸۷

۳- همان، سؤال ۱۳۰۷، صفحه‌ی ۲۸۷

احکام آموزش پزشکی

۱- دانشجویان دانشگاه پزشکی (دختر یا پسر) برای آموزش، چاره‌ای جز معاینه‌ی فرد اجنبی، از طریق لمس و نظر ندارند و چون این معاینات جزو برنامه‌ی درسی است و برای کارآموزی و آمادگی آنان برای معالجه‌ی بیماران در آینده مورد نیاز است و عدم انجام آن باعث می‌شود از تشخیص بیماری افراد مریض عاجز باشند و این امر منجر به طولانی شدن دوران بیماری افراد بیمار و گاهی فوت آنان می‌شود، بنابراین آیا این معاینات جایز است یا خیر؟

ج: اگر از موارد ضروری برای کسب تجربه و آگاهی از نحوه‌ی درمان بیماران و نجات جان آنان باشد، اشکال ندارد.^۱

۲- در صورتی که هنگام ضرورت، معاینه‌ی بیمارانی که محرم نیستند، توسط دانشجویان رشته‌ی پزشکی جایز باشد، مرجع تشخیص این ضرورت چه کسی است؟

ج: تشخیص ضرورت موقوف به نظر دانشجو با ملاحظه شرایط است.^۲

۳- گاهی در هنگام آموزش با مسئله‌ی معاینه‌ی غیرمحارم مواجه می‌شویم و نمی‌دانیم این کار برای آینده ضرورت دارد یا خیر؟ ولی به هر حال جزئی از روش درسی دانشگاه‌ها و وظیفه‌ی دانشجویی رشته‌ی پزشکی و یا حتی تکلیفی از طرف استاد است. با توجه به این مطالب آیا انجام معاینات مزبور برای ما جایز است؟

۱- اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۱۳۰۸، صفحه‌ی ۲۸۷

۲- همان، سؤال ۱۳۰۹، صفحه‌ی ۲۸۷

ج: مجرد اینکه معاینه‌ی پزشکی، از برنامه‌های آموزشی و یا از تکالیف استاد به دانشجو است، مجوز شرعی برای ارتکاب امر خلاف شرع محسوب نمی‌شود، بلکه ملاک در این زمینه فقط نیاز آموزشی برای نجات جان انسان و یا اقتضاء ضرورت می‌باشد.^۱

۴ - آیا در معاینه‌ی نامحرم که به‌خاطر ضرورت آموزش پزشکی و کسب تجربه و مهارت صورت می‌گیرد، بین معاینه‌ی اعضای تناسلی و سایر اعضای بدن تفاوت وجود دارد؟ بعضی از دانشجویان که بعد از اتمام تحصیل برای معالجه‌ی بیماران به روستاها و نقاط دوردست می‌روند، گاهی مجبور به زایمان زن و یا درمان آثار آن از قبیل خونریزی شدید می‌شوند، این کار چه حکمی دارد؟ بدیهی است که اگر این خونریزی و بیماری‌های دیگر به سرعت درمان نشود، حیات زنی که تازه زایمان کرده، در خطر خواهد بود، با علم به اینکه شناخت راه‌های معالجه‌ی این بیماری‌ها مستلزم کارآموزی در هنگام تحصیل علم پزشکی می‌باشد؟

ج: هنگام ضرورت فرقی بین حکم معاینه‌ی اعضای تناسلی و غیر آنها نیست و ملاک کلی، احتیاج به تمرین و فراگیری علم پزشکی برای نجات جان انسان می‌باشد و در این موارد باید به مقدار ضرورت اکتفا شود.^۲

۱- اجوبه‌الاستفتانات، سؤال ۱۳۱۰، صفحه‌ی ۲۸۸

۲- همان، سؤال ۱۳۱۱، صفحه‌ی ۲۸۸

۵ - غالباً در معاینه اعضای تناسلی - اعم از اینکه توسط فرد مماثل صورت بگیرد یا خیر- احکام شرعی مانند نگاه کردن پزشک یا دانشجو از طریق آینه، رعایت نمی‌شود و چون ما برای فراگیری چگونگی تشخیص بیماری‌ها از آنان تبعیت می‌کنیم، وظیفه‌ی ما چیست؟

ج: تحصیل و فراگیری علم پزشکی از طریق معایناتی که فی‌نفسه حرام هستند، در مواردی که یادگرفتن این علم و شناخت راه‌های درمان بیماری‌ها متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد، مشروط بر اینکه دانشجو اطمینان داشته باشد که توانایی نجات جان انسان‌ها در آینده متوقف بر اطلاعاتی است که از این طریق به دست می‌آید و همچنین مطمئن باشد که در آینده در معرض مراجعه‌ی بیماران بوده و مسئولیت نجات جان آنان را بر عهده خواهد داشت.^۱

۶ - آیا نگاه کردن به عکس مردان و زنان غیرمسلمان که در کتاب‌های اختصاصی رشته‌ی درسی ما به صورت نیمه‌عریان وجود دارد جایز است؟

ج: اگر به قصد ریبه نباشد و خوف ترتب مفسده هم در آن وجود نداشته باشد، اشکال ندارد.^۲

۱- اجوبه‌الاستفتائات ، سؤال ۱۳۱۲، صفحه‌ی ۲۸۸

۲- همان، سؤال ۱۳۱۳، صفحه‌ی ۲۸۸

۷- دانشجویان رشته‌ی پزشکی در خلال تحصیل، عکس‌ها و فیلم‌های مختلفی را از اعضای تناسلی بدن به قصد آموزش می‌بینند، آیا این عمل جایز است یا خیر؟ دیدن عورت غیر مماثل چه حکمی دارد؟

ج: نگاه کردن به فیلم‌ها و تصاویر فی‌نفسه اشکال ندارد، به شرط اینکه به قصد لذت نبوده و خوف ارتکاب حرام هم وجود نداشته باشد. آنچه حرام است نگاه به بدن غیر مماثل و لمس آن است و نگاه به فیلم یا عکس عورت دیگران هم خالی از اشکال نیست.^۱

۸- زن در هنگام وضع حمل چه تکلیفی دارد؟ و زنان پرستار که به زن‌های دیگر در هنگام وضع حمل کمک می‌کنند، نسبت به کشف عورت و نگاه کردن به آن چه تکلیفی دارند؟

ج: جایز نیست زنان پرستار عمداً و بدون اضطرار، به عورت زنان در هنگام وضع حمل نگاه کنند و همچنین پزشک هم باید از نگاه کردن و لمس بدن زنی که بیمار است، تا زمانی که اضطرار پیدا نکرده، خودداری کند و بر زنان واجب است که در صورت توجه و توانایی، بدن خود را بپوشانند و یا از کس دیگری بخواهند این کار را انجام دهد.^۲

۱- اجوبة الاستفتانات، سؤال ۱۳۱۴، صفحه‌ی ۲۸۹

۲- همان، سؤال ۱۳۱۵، صفحه‌ی ۲۸۹

۹- در خلال تحصیلات دانشگاهی، برای آموزش از دستگاه‌های تناسلی مصنوعی که از مواد پلاستیکی ساخته شده‌اند استفاده می‌کنند، نگاه کردن و لمس آنها چه حکمی دارد؟

ج: آلت و عورت مصنوعی حکم عورت واقعی را ندارد و نگاه کردن و لمس آنها اشکال ندارد، مگر آنکه به قصد ربه بوده و یا موجب تحریک شهوت گردد.^۱

۱۰- مباحث من راجع به تحقیقاتی است که در محافل علمی غرب راجع به تسکین درد از طریق معالجه با موسیقی، معالجه با لمس، معالجه با رقص، معالجه با دارو و معالجه از طریق الکتریسیته مطرح است و مباحث آنان در این زمینه، نتیجه هم داده است. آیا شرعاً مبادرت به این تحقیقات جایز است؟

ج: تحقیق راجع به امور مذکور و آزمایش مقدار تأثیر آنها در درمان بیماری‌ها شرعاً اشکال ندارد، به شرطی که مستلزم ارتکاب اعمالی که شرعاً حرام هستند نباشد.^۲

۱۱- آیا در صورتی که آموزش اقتضا کند، جایز است زنان پرستار به عورت زن دیگر نگاه کنند؟

۱- اجوبه‌الاستفتائات، سؤال ۱۳۱۶، صفحه‌ی ۲۸۹

۲- همان، سؤال ۱۳۱۷، صفحه‌ی ۲۸۹

ج: اگر درمان بیماری‌ها و یا نجات نفس محترمی متوقف بر درسی باشد که یاد گرفتن آن مستلزم نگاه به عورت دیگران است، اشکال ندارد.^۱

انجام تحقیقات پزشکی روی حیوانات

س: اگر آزمایشات طبی روی حیوانات انجام شود و در پایان، حیوانات از بین بروند، صرف نظر از ضمان، آیا چنین کاری برای پیشرفت پزشکی جایز است؟

ج: فی نفسه منعی ندارد، لکن باید طوری عمل شود که موجب اذیت و آزار حیوان نشود.^۲

ضرورت یادگیری پزشکی برای بانوان

س: با توجه به مراجعه‌ی زنان به برخی پزشکان مرد و آثار مترتب بر آن، آیا بر زنانی که استعداد یادگیری علوم پزشکی مربوط به زنان را دارند، واجب است که این علوم را یاد بگیرند؟

ج: یادگیری در حد رفع نیازهای ضروری، واجب کفائی است.^۳

۱- اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۳۱۸، صفحه‌ی ۲۸۹

۲ و ۳- استفتاء جدید

قرار دادن خود در معرض آزمایش‌های خطرناک، برای پیشرفت علم پزشکی

س: اگر فایده‌ی آزمایش‌ها به سود تمامی افراد بشر باشد، آیا می‌تواند خود را در معرض چنین آزمایش‌هایی قرار دهد، با فرض اینکه علم به ضرر یا احتمال ضرر و یا عدم علم به ضرر داشته باشد؟

ج: جایز نیست مگر ضرورت پزشکی و مصلحت اهم اقتضا نماید و تأمین این ضرورت از راه‌های دیگر و بی‌خطر و یا کم‌خطرتر امکان‌پذیر نباشد.^۱

انجام آزمایش‌های پزشکی بر روی بیمار بدون اطلاع او

س: در صورتی که آزمایش خاص پزشکی برای پیشرفت علم هیچ‌گونه ضرری برای بیمار نداشته باشد، آیا پزشک بدون اطلاع به بیمار و بدون کسب اجازه‌ی او می‌تواند چنین اقدامی نماید؟

ج: جایز نیست.^۲

فاش کردن اسرار بیمار برای پیشرفت علم پزشکی

س: آیا جهت امر آموزش بالینی دانشجویان و انترن‌ها و رزیدنت‌ها مجاز هستیم شرح حال مریض و بعضاً اسرار وی را در جمع پزشکان مطرح کنیم یا خیر؟

ج: اگر این امر به مصلحت بیمار بوده و یا برای آموزش دانشجویان مفید باشد مانعی ندارد.^۱

پژوهش در طب اسلامی

س: انجام دادن تحقیق و پژوهش در مورد حجامت و فصد و سایر موضوعات پزشکی مشابه که در روایات موجود است، مطابق با استانداردهای علمی بین‌المللی و بررسی آماری نتایج حاصل از آن، از نظر شرعی چه وجهی دارد؟

ج: با رعایت اصول و موازین پزشکی روز بلامانع می‌باشد.^۲

آموزش اقشار جامعه برای مبارزه با ایدز

س: با توجه به مصیبت‌بار بودن بیماری ایدز، آیا آموزش گروه‌های مختلف سنی را در مورد راه‌های انتقال و نحوه‌ی پیشگیری از بیماری ایدز، جایز می‌دانید؟

ج: فی‌نفسه منعی ندارد، مگر آنکه مستلزم مفسده بوده و نتایج سوئی داشته باشد.^۳

لزوم یادگیری مسائل شرعی مورد ابتلا برای پیراپزشکان

س: دانستن مسائل شرعی برای پزشکان، دندانپزشکان، داروسازان، پرستاران و به طور کلی پیراپزشکان، در حین آموزش و کار تا چه حدی لازم است؟

ج: اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بینجامد، گناهکار است.^۱

دستورات غیر شرعی در مؤسسات پزشکی

س: در صورتی که فتوای مراجع با عملکرد و گفتار بعضی از رؤسای بیمارستان‌های آموزشی یا آزمایشگاه‌ها مطابق نباشد، تکلیف دانشجویانی که موظف به اجرای دستور اساتید و پزشکان در امر معاینه‌اند، چیست؟ آیا باید از اساتید تبعیت کنند یا خیر؟

ج: در این زمینه دانشجویان باید به مسئولین مافوق مراجعه کنند تا آنها هماهنگی‌های لازم را انجام دهند و در صورت عدم هماهنگی موارد آن مختلف است و در هر جا که ضرورت باشد باید بر اساس آن عمل نمود.^۲

احكام مماثل

۱ - آیا معاینه‌ی عورت افراد توسط یک مؤسسه‌ی نظامی جایز است؟

ج: کشف عورت دیگران و نگاه کردن به آن و وادار کردن صاحب عورت به کشف عورت در برابر دیگران جایز نیست، مگر آنکه ضرورتی مثل رعایت قانون و یا معالجه، آن را اقتضا کند.^۱

۲ - کلمه‌ی «ضرورت» به عنوان شرط جواز لمس زن یا نظر به او توسط پزشک، زیاد تکرار می‌شود، «ضرورت» چه معنایی دارد و حدود آن کدام است؟

ج: مراد از ضرورت در فرض سؤال این است که تشخیص بیماری و درمان آن متوقف بر لمس و نظر باشد و حدود ضرورت هم، بستگی به مقدار نیاز دارد.^۲

۳ - آیا برای پزشک زن نگاه کردن و لمس عورت زن برای معاینه و تشخیص بیماری جایز است؟

ج: جایز نیست مگر در موارد ضرورت.^۳

۴ - آیا لمس بدن زن و نگاه کردن به آن توسط پزشک مرد هنگام معاینه، جایز است؟

۱- اجوبةالاستفتانات، سؤال ۱۲۹۵، صفحه‌ی ۲۸۵

۲- همان، سؤال ۱۲۹۶، صفحه‌ی ۲۸۵

۳- همان، سؤال ۱۲۹۷، صفحه‌ی ۲۸۵

ج: در صورتی که درمان منوط به برهنه کردن بدن زن در برابر پزشک مرد و لمس و نگاه کردن به آن باشد و معالجه با مراجعه به پزشک زن امکان نداشته باشد، اشکال ندارد.^۱

۵ - نگاه کردن پزشک زن به عورت زن دیگر و لمس آن در صورتی که معاینه‌ی آن به وسیله‌ی آینه امکان داشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که نگاه کردن با آینه ممکن باشد و نگاه کردن مستقیم و لمس ضرورتی نداشته باشد، جایز نیست.^۲

۶ - اگر برای پرستار غیر مماثل (غیر هم‌جنس با بیمار) هنگام گرفتن نبض (فشارخون) و چیزهای دیگری که احتیاج به لمس بدن بیمار دارند، دست کردن دستکش امکان داشته باشد، آیا انجام آن اعمال بدون دستکش‌هایی که پزشک هنگام درمان بیمار از آنها استفاده می‌کند، جایز است؟

ج: با امکان لمس از روی لباس یا با دست کردن دستکش هنگام معالجه، ضرورتی به لمس بدن مریض غیر مماثل (غیر هم‌جنس) وجود ندارد و بنابراین جایز نیست.^۳

۷ - آیا غیر از شوهر، نگاه کردن افراد دیگر به عورت زن حتی پزشک، به‌طور مطلق حرام است؟

۱- اجوبة الاستفتانات، سؤال ۱۲۹۸، صفحه‌ی ۲۸۶

۲- همان، سؤال ۱۲۹۹، صفحه‌ی ۲۸۶

۳- همان، سؤال ۱۳۰۰، صفحه‌ی ۲۸۶

ج: نگاه کردن غیر از شوهر حتی پزشک و بلکه پزشک زن به عورت زن حرام است، مگر هنگام اضطرار و برای درمان بیماری.^۱

۸- آیا مراجعه‌ی زنان به پزشک مرد که متخصص بیماری‌های زنان است در صورتی که تخصص او از پزشکان زن بیشتر باشد و یا مراجعه به پزشک زن مشقت داشته باشد، جایز است؟

ج: اگر معاینه و درمان منوط به نظر و لمس حرام باشد، جایز نیست به پزشک مرد مراجعه کنند، مگر در صورتی که مراجعه به پزشک زن حاذق و متخصص غیرممکن و یا خیلی سخت باشد.^۲

س: اگر برای ازدواج، نیاز به آزمایش خون باشد، چنانچه دکتر زن برای این کار نباشد، آیا دکتر مرد که نامحرم است می‌تواند این کار را انجام دهد؟ در صورتی که دکتر زن وجود دارد ولی در اثر بی‌توجهی و امثال آن، دکتر مرد اقدام به این کار می‌کند تکلیف چیست؟

ج: اگر ضرورت باشد مانعی ندارد لکن سهل‌انگاری و بی‌توجهی مجوز این امر نیست.^۳

۱- اجوبة الاستفتائات، سؤال ۱۳۰۲، صفحه‌ی ۲۸۶

۲- همان، سؤال ۱۳۰۳، صفحه‌ی ۲۸۶

۳- استفتاء جدید

معاینه‌ی پزشکی توسط نامحرم برای کنترل سلامتی

س: آیا معاینه‌ی افراد غیربیمار برای کنترل سلامتی آنها، توسط پزشک نامحرم جایز است؟

ج: اگر ضرورت نباشد جایز نیست.^۱

نگاه به جسد هم‌جنس و غیرهم‌جنس

س: نگاه به جسد هم‌جنس و غیرهم‌جنس، مسلمان باشد یا غیرمسلمان تا چه حدی جایز است؟

ج: نگاه به جسد هم‌جنس غیر از عورتین اشکال ندارد و در غیرهم‌جنس حکم زمان حیات را دارد.^۲

محرمیت پزشک غیرمماثل برای درمان نازائی

س: آیا نازایی حکم مرض را دارد تا مراجعه به دکتر مرد حاذق‌تر، مجاز باشد؟ و با توجه به بالا رفتن سن بنده و اینکه تا جایی که توانسته‌ام نزد دکترهای مجرب زن رفته‌ام، فعلاً مجاز به معاینه شدن توسط دکتر مرد هستم یا خیر؟

ج: نازائی فی‌نفسه، بیماری محسوب نمی‌شود و مجوز مراجعه به پزشک نامحرم برای لمس و نظر حرام نمی‌گردد. بلی اگر احتمال عقلایی می‌دهید

که نازایی شما ناشی از بیماری قابل علاج باشد و دسترسی به پزشک زن که بتواند شما را معالجه و معاینه کند ندارید، مراجعه به پزشک مرد جهت معاینه و معالجه اشکال ندارد.^۱

مراجعه به پزشک نامحرم در موارد ضروری

س: اگر بیمار خانمی که جانش در خطر است به تنها پزشک یک روستای دورافتاده که مرد است، مراجعه کند آیا این پزشک مجاز است هرگونه معاینه‌ی ضروری را در مورد بیمار انجام دهد؟

ج: چنانچه مورد ضرورت باشد اشکال ندارد.^۲

مراجعه‌ی روستائیان به پزشک نامحرم

س: اگر زنی دچار بیماری خفیفی شده به طوری که جانش در خطر نیست، با فرض دوری او از شهر و وجود پزشک مرد در روستا حتماً باید به پزشک خانم در شهر مراجعه کند و یا در همان جا، پزشک مرد مجاز است با انجام معاینات ضروری، اقدام به تشخیص و درمان نماید؟

ج: چنانچه به طور عادی و بدون حرج و مشقت، رفتن به شهر میسر است، باید در شهر به پزشک زن مراجعه نماید.^۳

س: در صورتی که شکم بیمار توسط دستیار زن باز شود، با توجه به اینکه نظر به پوست و ظاهر شکم صورت نمی‌گیرد و بیشتر داخل شکم مشاهده می‌شود، آیا پزشک مرد می‌تواند به عمل بستن لوله‌ها بپردازد؟

ج: نگاه به باطن بدن زن و ظاهر آن فرقی ندارد و در هر دو صورت اگر ضرورت باشد، جایز است و در غیر این صورت، جایز نیست.^۱

برهنه کردن بیمار برای حفظ حالت استریل اتاق عمل

س: آیا به خاطر حفظ فضای استریل اتاق عمل می‌توان مجروح را برهنه کرده و از مقابل انظار پزشکان و پیراپزشکان عبور داد؟

ج: می‌توان از لباس‌ها یا ملحفه‌ای که قبلاً استریل شده، بعد از بیرون آوردن لباس‌های بیمار استفاده نمود تا بیمار برهنه نباشد.^۲

کمک مرد به زن در حال زایمان

س: بفرمایید در صورتی که زنی نباشد تا به زائو در وضع حمل کمک کند، آیا مرد می‌تواند دخالت کند؟

ج: اگر عدم دخالت مرد موجب تهدید حیات مادر یا کودک باشد، مانعی ندارد.^۳

حجامت کردن نزد نامحرم

س: آیا مرد می‌تواند نزد زن نامحرم حجامت کند؟

ج: با توجه به اینکه حجامت مستلزم نظر به بدن مرد و احیاناً لمس است جایز نیست.^۱

س: آیا مرد می‌تواند نزد دکتر زن نامحرم رود؟ (با لمس بدن)

ج: با امکان لمس از روی لباس یا با دست کردن دستکش هنگام معالجه مانع ندارد و بهتر است اگر ضرورت ندارد مرد به دکتر زن مراجعه نکند و چنانچه مستلزم لمس یا نظر حرام باشد، جایز نیست.^۲

قرار دادن «نورپلانت» توسط پزشک نامحرم

س: قرار دادن «نورپلانت» توسط پزشک مرد در صورتی که فقط سطح خارجی بازو مشاهده شود، چه حکمی دارد؟

ج: با وجود پزشک زن، پزشک مرد مبادرت به این عمل ننماید، مگر آنکه ضرورتی در کار باشد مانند اینکه پزشک زن وجود نداشته، و این عمل برای آن زن لازم باشد.^۳

مراجعه بیمار زن به دندانپزشک مرد

س: مراجعه‌ی بیمار زن به دندانپزشک مرد جهت معالجات دندانپزشکی چه حکمی دارد؟

ج: اگر برای این‌گونه کارها، دسترسی به پزشک زن دارند، مراجعه به پزشک مرد، اگر مستلزم نظر و لمس حرام باشد، جایز نیست.^۱

احکام خون

انتقال خون بین مسلمان و غیرمسلمان

س: آیا انتقال خون بین مسلمان و غیرمسلمان، جایز است یا نه؟

ج: جایز است.^۱

فروش خون

س: فروش خون چه حکمی دارد؟

ج: با فرض اینکه انتقال خون دارای منفعت عقلایی است، فروش آن

مانعی ندارد.^۲

احکام داروها و داروخانه‌ها

تهیه داروهای ضروری از منابع حرام یا نجس

س: با توجه به اینکه برخی از داروهای ضروری و حیاتی از منابع حرام یا نجس مثل اعضای انسان یا حیوان و غیر آنها تهیه می‌شوند و معمولاً این-گونه داروها از کشورهای خارجی و غیرمسلمان وارد می‌شوند، حکم شرعی مصرف این گونه داروها برای انسان و نیز معامله بر روی آنها چیست؟

ج: اگر معالجه‌ی بیماری متوقف و منحصر در آن باشد اشکال ندارد.^۱

وظیفه‌ی داروساز در مواقع ضروری

س: نظر به اینکه قانوناً تجویز دارو به عهده‌ی داروساز نمی‌باشد، به استثنای داروهای بدون نسخه، چنانچه مریض به حال اضطرار مراجعه کند و با توجه به فوریت، در صورت ندادن دارو، منجر به نقص، جرح یا فوت بیمار گردد، آیا داروساز در عواقب فوق متهم به قصور است؟

ج: با فرض اینکه طبق قانون رفتار کرده تکلیفی متوجه او نیست.^۲

ضمان کارکنان داروخانه در قبال تحویل دارو

س: با توجه به اینکه تشخیص بیماری و تجویز دارو به عهده‌ی پزشک معالج واگذار شده و طبق قوانین موجود، داروساز موظف به تحویل داروی تجویزی می‌باشد، آیا داروساز نسبت به عواقب یا عوارض ضررهای ناشی از

تجویز غیرعلمی یا غیرضروری و احیاناً تجویز بر اساس سودجویی و غیره
ضامن است؟

ج: در فرض مرقوم ضامن نیست، مگر اینکه بداند این دارو عوارض و
ضرر چشمگیر برای بیمار دارد.^۱

درمان با داروی موجب مرگ زودرس

س: اگر کسی برای بهبودی موقتی یا رفع درد از دارویی استفاده کند که مرگ
را به طور قابل ملاحظه‌ای جلو بیندازد، حکم چیست؟ مثلاً از «کورتیکو
استروئید» و یا «زیدودین» یا «سیکلو سپورین» استفاده شود.

ج: اگر موجب مرگ زود رس باشد، علاج نیست و در هر صورت اگر
ضرر معتابه عقلایی نداشته باشد، در مقام علاج فی نفسه اشکال ندارد.^۲

فروش داروی خطرناک بدون تجویز پزشک

س: آیا فروش داروهای که مصرف آنها عوارض شدید در بردارد، بدون
تجویز پزشک جایز است؟

ج: بدون تجویز دکتر، نفروشید.^۳

احكام نجاست

اطلاع دادن نجاست وسایل پزشکی به بیمار

س: با توجه به امکان نجس شدن لباس و بدن بیمار، آیا لازم است نجس بودن وسایل مورد استفاده در مصارف پزشکی - از قبیل: تخت معاینه، وسایل پزشکی، یونیت و غیره - را به وی تذکر دهیم؟

ج: لازم نیست.^۱

نجاست وسایل بیمارستان‌های بلاد غیر اسلامی

س: این‌جانب به علت نیاز به عمل جراحی مجبور شدم به یکی از بیمارستان‌های خارج از کشور بروم. آیا تختی که بیماران روی آن استراحت می‌کنند، نجس است؟ حکم خود بیمارستان از لحاظ طهارت و نجاست چیست؟

ج: تا یقین به نجاست آنها نباشد، محکوم به طهارت هستند.^۲

استفاده از نخ بخیه‌ی تهیه شده از حرام گویان

س: استفاده‌ی پزشک از نخ‌های بخیه که حیواناً بعضی از آنها از اجزای حیوانات حرام گوشت به دست آمده است، چه حکمی دارد؟

ج: فی نفسه اشکال ندارد.^۳

خونریزی در حال اعمال جراحی دهان

س: کسی که دندانش را پر می‌کند، هنگامی که دهانش خونی می‌شود لازم است داخل دهان را نیز آب بکشد یا نه؟

ج: به‌طور کلی باطن بدن انسان با زوال عین نجاست پاک می‌شود.^۱

ورود مجدد وسایل پزشکی نجس به داخل دهان

س: ورود مجدد و مکرر وسیله‌ای که در اثر ترشحات آلوده به خون دهان خود بیمار نجس گردیده به داخل دهان او چه حکمی دارد؟

ج: ورود مجدد وسیله‌ی نجس به دهان بیمار اشکال ندارد.^۲

احکام آتانازی (قتل از روی ترحم)

تزریق مواد کشنده به محتضر

س: گاهی به جهت تعجیل در راحت شدن محتضر، به او مواد مُهلکه (کُشنده) تزریق می‌کنند؛ آیا این عمل جایز است یا نه؟ و در صورت عدم جواز، آیا عاملان این کار، در قتل او شریکند؟

ج: جایز نیست و در صورتی که موجب قتل شود، قصاص یا دیه‌ی آن واجب می‌گردد.^۱

کشتن بیمار مرگ مغزی

س: شخصی که در اثر آسیب مغزی درک و شعور و شنوایی و بینایی و حس خود را از دست داده و فقط قلب او می‌زند و حرکت می‌کند: اگر کسی او را در این شرایط بکشد، آیا باید دیه‌ی کامل بپردازد؟

ج: بلی دیه دارد.^۲

س: آیا می‌توان این بیمار را به همان حال باقی نهاد تا قلب او هم از کار بیفتد؟

ج: اگر دستگاهی به او وصل شده و برداشتن دستگاه موجب مرگ وی می‌شود، نمی‌توان چنین کاری را انجام داد.^۳

تسریع در مرگ بیمار

س: «آتانازی» بر سه قسم است:

۱- نوع فعال که با تجویز داروی کشنده از طرف پزشک به زندگی بیمار خاتمه داده می‌شود.

۲- نوع انفعالی، به صورت خودداری از ادامه‌ی مداوا و زنده نگاه داشتن بیمار محتضر.

۳- نوع غیر مستقیم، با قرار دادن داروهای به مقدار زیاد در دسترس بیمار تا بیمار شخصاً به زندگی پرنج خویش پایان دهد. استفاده از کدام یک بلاشکال است؟

ج: حفظ محتضر و تأخیر مرگ او واجب نیست، بنابراین قسم دوم مانع ندارد. ولی هر کاری که موجب مردن او باشد، مثل دو قسم دیگر جایز نیست.^۱

حکم بیمارکشی از روی ترحم

س: از «آتانازی» در فارسی به «قتل از روی ترحم» و «بیمارکشی با ترحم» تعبیر می‌شود و به منظور کوتاه کردن مدت درد و رنج بیمار لاعلاجی است که بر اساس دانش پزشکی امروز، هیچ امیدی به شفا و یا بهبود او وجود ندارد اقدام به این کار چه حکمی دارد؟ آیا سرپرست یا نزدیکان بیمار می‌توانند به پزشک همچین اجازه‌ای بدهند؟

ج: جایز نیست و قتل نفس محسوب می شود.^۱

احکام حق طبابت و گواهی پزشکی

حق طبابت و گواهی پزشکی

س: با توجه به اینکه حق طبابت از لحاظ مادی، غیرقابل تعیین می‌باشد؛ به نظر حضرت عالی بهترین راه تعیین میزان حق طبابت چیست؟ آیا مقدار تعیین شده توسط دولت، در هر شرایطی قابل دریافت است و پزشک مدیون نخواهد بود؟

ج: اگر طبق تعرفه‌های معین شده، گرفته شود منعی ندارد.^۱

دریافت حق طبابت قبل از بهبودی بیمار

س: آیا دریافت حق طبابت قبل از بهبودی بیماری، طبق روش مرسوم صحیح است؟

ج: فی نفسه منعی ندارد.^۲

دریافت حق طبابت از بیماری که بهبود نیافته

س: اگر پزشک در طبابت خود کمال دقت و تلاش را برای بهبودی بیمار انجام دهد، ولی بهبودی برای وی حاصل نشود، آیا پزشک نسبت به حق ویزیت مدیون است یا نه؟

ج: در فرض سوال مدیون نیست.^۳

دریافت حق طبابت و عمل قبل از انجام آن کار

س: آیا دریافت حق طبابت و یا عمل جراحی، قبل از انجام آن کارها، جایز است؟

ج: اگر بر اساس توافق طرفین و مطابق مقررات نظام پزشکی باشد اشکال ندارد.^۱

نوشتن گواهی پزشکی

س: برخی از افراد به پزشک مراجعه می‌کنند و از او تقاضای گواهی پزشکی برای محل کار و... می‌نمایند. مثلاً می‌گویند که به علت سرماخوردگی دو روز به اداره نرفته‌اند. آیا در صورت اطمینان به صحت گفتار آنها می‌توان گواهی برایشان صادر کرد؟

ج: در فرض مرقوم که پزشک اطمینان به بیماری آنها دارد، اگر خلاف قانون و مقررات مربوطه نباشد، صدور گواهی مانعی ندارد.^۲

صدور گواهی نادرست برای بیمار

س: صدور گواهی نادرست از طرف پزشک برای بیمار، سهواً یا عمداً، چه حکمی دارد؟

ج: عمداً جایز نیست و در صورت سهو باید در صورت امکان آن را تدارک و جبران کند.^۱

مطالبه‌ی مبلغ اضافی از بیمار بابت عمل جراحی

س: همان‌طوری که به احتمال زیاد شنیده‌اید، اکثر پزشکان از بیمارانی که می‌خواهند عمل کنند مبلغی پول به عنوان حق‌الزحمه‌ی عمل جراحی - که به زیرمیزی مشهور شده - می‌گیرند، حال می‌خواستم بدانم این پول چه حکمی دارد؟ حلال است یا حرام است؟

ج: پزشک اگر کارمند دولت در بیمارستان باشد که حقوق خود را از صندوق دولت دریافت می‌کند و یا عمل جراحی را بر اساس دریافت اجرت عمل از شرکت بیمه دریافت می‌نماید، حق مطالبه‌ی مبلغ اضافی از بیمار را ندارد.^۲

احكام ضمان

ضمان ضرر ناشی از حساسیت دارویی بیمار

س: با توجه به اینکه ممکن است جان بیمار به طور اورژانس در خطر باشد و زمان، جهت تعیین حساسیت فرد نسبت به دارویی خاص وجود نداشته باشد، اگر با تجویز دارو، بیمار به آن حساسیت پیدا کرده و دچار عوارض شدید یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض، مسئولیتی خواهد داشت؟

ج: کسی که آن دارو را به بیمار خورانده یا تزریق کرده ضامن است. توضیحاً یادآور می‌شود، در موارد ثبوت ضمان، گذشت که اذن بیمار یا کسان وی تأثیری در ارتفاع و سقوط ضمان ندارد، ولی کسی که در صورت ایراد آسیب به بیمار ضامن است، اگر پیش از اقدام بر عمل جراحی یا هر عمل علاجی دیگر از بیمار یا از اولیای وی برائت از ضمان پیشاپیش بگیرد، در این صورت ضامن نیست.^۱

ضمان لطمات وارده بر بیمار در حین درمان وی

س: در مواردی برای درمان بیمار، پزشک ناچار به ایراد لطمه‌ای دیگر به بیمار می‌شود. مثلاً برای احیای قلب بیمار سخته کرده، ماساژ می‌دهد که منجر به شکستن دنده‌ها می‌شود یا برای تحریک رفلکس بیمار به او سیلی می‌زند و پرده‌ی کوشش پاره می‌شود، آیا در موارد فوق پزشک ضامن است؟

ج: اگر نجات جان بیمار، مستلزم ایراد آسیبی بر وی باشد، پزشک ضامن نیست.^۱

ضمان لطمات وارده از طرف دستیاران پزشک

س: در مراکز آموزشی که برای آینده پزشک متخصص تربیت می‌نمایند و به دلیل کمی مهارت دستیاران و دانشجویان، عوارض و خطراتی متوجه جان بیمار می‌گردد، اگر احیاناً نقص عضو و فوتی واقع شود، آیا دستیار مربوطه ضامن است یا پزشک مسئول و استادیار مربوطه؟

ج: در فرض مزبور دستیار یا هر کس که به بیمار آسیب رسانده ضامن می‌باشد.^۲

ضمان لطمات وارده شده به بیمار بدون تفریط پزشک

س: در مواردی که به علل غیرمربوط به کار پزشک، مثل اختلال در دستگاه‌ها و رفتن برق و ... به بیمار لطمه‌ای وارد می‌شود، ضامن کیست؟

ج: در فرض مرقوم پزشک ضامن نیست و کسی که در بررسی دستگاه‌ها و وصل برق ذخیره و از این قبیل کوتاهی کرده ضامن می‌باشد.^۳

احكام مربوط به عمل جراحی

اجازه‌ی عمل جراحی

س: پزشک حاذق و ماهر، بدون سهل‌انگاری اقدام به عمل جراحی بیماری نموده است و در حین عمل، آسیبی به بیمار وارد گردیده است. آیا داشتن اجازه‌ی عمل از بیمار یا بستگان در رفع ضمان مؤثر است؟ دیه به عهده‌ی کیست؟

ج: به نحو کلی در موارد ثبوت ضمان، اجازه‌ی بیمار یا بستگان وی رافع ضمان نیست.^۱

عمل جراحی بدون اجازه‌ی بستگان بیمار

س: اگر پزشک منتظر اجازه‌ی بستگان بیمار برای عمل جراحی شود، ممکن است بیمار دچار نقص یا از کار افتادگی عضو شود. در این صورت آیا پزشک می‌تواند بدون اجازه، اقدام به عمل جراحی کند؟

ج: اگر خطر فوت بیمار در میان باشد، تأخیر جایز نیست. در مواردی که پزشک ضامن دیه است، باید از مال خود بپردازد.^۲

انجام جراحی ضروری بدون رضایت بیمار

س: برخی از بیماران عاقل و بالغ که نیازمند عمل جراحی هستند، به علت ترس یا هر توجیه دیگری حاضرند درد و رنج را تحمل نمایند، ولی تن به عمل ندهند، و این در حالی است که پزشک می‌داند که در صورت عمل

نکردن، بیمار به زودی خواهد مرد یا دچار عوارض سختی خواهد شد. با این فرض، آیا پزشک می‌تواند با تصمیم خود، او را عمل جراحی کند؟ اگر علی-رغم مخالفت بیمار، بستگان وی چنین اجازه‌ای را صادر کنند، تکلیف پزشک چیست؟

ج: اگر نجات بیمار از مرگ مستلزم عمل جراحی است، اشکال ندارد.^۱

انجام جراحی غیر ضروری به اصرار همراهان بیمار

س: پزشکی یقین دارد که انجام گرفتن عمل جراحی روی بیمار، تأثیر در زنده ماندن او ندارد، و در هر صورت، بیمار پس از مدت کوتاهی خواهد مرد. آیا پزشک جایز است بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولان بیمارستان، اقدام به جراحی نماید یا نه؟

ج: با اطلاع دادن به بیمار یا همراهان او نسبت به عدم تأثیر عمل، اقدام به عمل جراحی مانعی ندارد.^۲

درمان‌های پرخطر برای تأخیر انداختن مرگ

س: اگر بدانیم یا احتمال بدهیم بیماری در اثر بیماری‌ای مثل «لوسمی» و یا «متاستاز» یا برخی از سرطان‌ها و برخی تومورها به زودی خواهد مرد، آیا مجازیم برای افزایش طول عمر او - در حد چند ماه - از شیوه‌های درمانی

پرخطر و پرعارضه، مانند شیمی درمانی که اغلب عوارض آن بسیار شدیدتر از بیماری اولیه است، استفاده نمائیم؟

ج: اشکال ندارد، بلکه بعید نیست در برخی موارد لازم باشد.^۱

توقف زندگی بیمار بر عمل جراحی

س: بنا بر تشخیص اطباء حاذاق در صورت ترک نمودن عمل جراحی، بیمار به زودی خواهد مرد و در صورت اقدام به عمل جراحی، به احتمال قوی زنده می ماند. ولی تا پایان عمر دچار درد و رنج شدید و توانفرسا می شود، تکلیف این بیمار چیست؟

ج: در فرض مذکور که ترک عمل و معالجه موجب مرگ می شود، اقدام به عمل واجب است.^۲

احکام مسائل متفرقه میزبانی

س: آیا انجام عمل استمناء به دستور پزشک برای آزمایش و معاینه‌ی منی جایز است؟

ج: در مقام معالجه، در صورتی که درمان منوط به آن بوده و استمناء به وسیله‌ی همسر ممکن نباشد، اشکال ندارد.^۱

جراحی بینی و گوش

س: جراحی بینی و یا گوش جهت زیبایی شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب ضرر قابل اعتنا و چشمگیر نباشد، فی‌نفسه منعی ندارد.^۲

استفاده از هیپنوتیزم

س: نظر حضرت‌عالی در خصوص کاربرد «هیپنوتیزم» در علوم پزشکی و درمان بیماری‌های قابل علاج با این روش چیست؟

ج: اگر به منظور غرض عقلایی و با رضایت کسی که می‌خواهد هیپنوتیزم شود صورت بگیرد و همراه با کار حرامی هم نباشد اشکال ندارد.^۳

۱- اجوبة‌الاستفتائات، سؤال ۱۳۰۴، صفحه‌ی ۲۸۷

۲ و ۳- استفتاء جدید

فاش کردن اسرار بیمار برای بستگانش در موارد ضروری

س: اگر بیمار نارضایتی خود را از افشای بیماری خود اعلام نماید، ولی ضرورت درمان اقتضا می‌کند که نوع بیماری برای بستگانش فاش شود، وظیفه‌ی پزشک معالج در این صورت چیست؟

ج: در صورتی که نجات جان او بستگی به آن داشته باشد، لازم است.^۱

دادن پرونده‌ی پزشکی بیمار به سایر پزشکان

س: آیا می‌توان پرونده‌ای را که اسرار بیمار در آن بایگانی می‌شود، در اختیار پزشکان دیگر غیر از پزشک معالج یا بستگان بیمار قرار داد؟

ج: موارد آن مختلف است و در صورتی که این عمل باعث دستیابی به معالجه‌ی بیمار و یا نجات جان بیماران دیگر باشد، مانعی ندارد و بلکه در مواردی لازم است.^۲

کسانی که فقط از نظر پزشکی زنده‌اند

س: بیمارانی که از نظر عرف، مرده به حساب می‌آیند اما از نظر علم پزشکی زنده می‌باشند و یا بالعکس چه حکمی دارند؟

ج: حکم انسان زنده را دارد.^۳

استفاده از سلول‌های بنیادین برای مقاصد درمانی

س: آیا استفاده از سلول‌های بنیادین استخراج شده از جنین انسان قبل از لانه‌گزینی در رحم برای مقاصد درمانی، جایز است؟ لازم به یادآوری است که مراکز تحقیقاتی معمولاً نمونه‌های خود را از جنین‌های دور ریخته شده در مؤسسه‌های باروری (IVF) به دست می‌آورند.

ج: فی نفسه منعی ندارد.^۱

استفاده از میوه‌های ژنتیکی

س: آیا استفاده از میوه‌ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی، جایز است؟

ج: مانعی ندارد.^۲

شبیه‌سازی حیوانات

س: آیا کلونینگ (شبیه‌سازی) حیوانات، جایز است؟

ج: فی نفسه منعی ندارد.^۳

روکش طلا و پلاتین دندان

س: آیا گذاشتن روکش طلا روی دندان اشکال دارد؟ روکش پلاتین چطور؟

ج: گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان اشکال ندارد، ولی پوشاندن دندان‌های جلو با طلای زرد، اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست.^۱

ترک معالجه‌ی بیمار روانی خطرناک

س: اگر بیمار روانی‌ای که هر زمان احتمال دارد دست به آدمکشی بزند، بیماری دیگری هم پیدا کرد، آیا جایز است برای اینکه جان افرادی توسط وی به خطر نیفتد، از درمان بیماری جدید او اعراض نموده و او را مورد معالجه قرار نداد؟

ج: در هر صورت حفظ جان انسان لازم است و ترک درمان در صورتی که موجب مرگ شود، جایز نیست؛ لکن باید او را طوری نگهداری کنند که موجب آزار دیگران نشود.^۲

نیش قبر مشکوک

س: اگر ندانیم قبری متعلق به مسلمان است یا غیر مسلمان، آیا مجازیم نیش قبر کنیم؟

ج: اگر در بلاد مسلمین باشد جایز نیست.^۱